

# راه توده

نشره ماهانه حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۷ آبان ۱۳۶۲ مطابق  
۱۸ نوامبر ۱۹۸۳  
سال دوم، شماره ۶۸  
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

## باتشکیل جبهه متحد خلق، خطر حتمی و جدی آمریکا را خنثی سازیم!

اوضاع در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس همچنان حساس و بحرانی است. امپریالیسم آمریکا تجمع و آرایش نیروهای نظامی خویش را در لبنان و مرزهای زمینی و دریایی سوریه، تا سطح بیسابقه‌ای افزایش داده است. در خلیج فارس نیز نقل و انتقالات نظامی، رویه تزیین است. در هفته گذشته یک رزم ناو بزرگ به همراه یک ناو شکن آمریکایی، برای دیدار "دوستانه‌ای" به بندر دویبی - در مجاورت تنگه هرمز - وارد شدند. سخنگویان امپریالیسم، از قول مقامات عراقی در هفته‌های اخیر اظهار می‌دارند:

"بنظر می‌رسد که بمباران تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس تنها و آخرین راه خاتمه جنگ سه ساله دو کشور می‌باشد."  
و از قول مقامات دیپلماتیک غرب می‌افزایند:  
"در صورتیکه ایالات متحده، علیه سوریه دست به اقدام تلافی جویانه بزند، عراق نیز موقعیت را برای بمباران تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک مغتنم خواهد شمرد" (راد یو اسرائیل ۱۸ آبان ۶۲).  
بقیه در صفحه ۲

## متحد شویم! در دفاع از انقلاب بپا خیزیم!

فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در صفحه ۸ بخش دوم

## هنوز هم "نصیحت" و "موعظه"!!

همزمان با تنگ تر شدن حلقه فشار امپریا - لیسم در منطقه خلیج فارس، که بمنظور قبضه کردن تمام و کمال اراده نیروهای تسلیم شده حاکمیت ج ۱۰۱۰ و ارباب مسلمانان صادق در رده‌های پایین تر حاکمیت اعمال می‌شود، فشار ارتجاع داخلی نیز بر این نیروها افزایش یافته است. در این مورد از جمله سخنان آیت‌الله العظمی منتظری نمونه وار است. او در دیدار با جمعی از ائمه جمعه اصفهان و چهار محال بختیاری اظهار کرد:

"در حالیکه ما، امروز مواجه با کمبود نیرو هستیم و باید امروز نیروهای لایق را به جای دفع، جذب کنیم... ولی متأسفانه دیده می‌شود که جریانی یا خطی در بعضی ارگانها مانند آموزش و پرورش و یا در بازار و دیگر ارگانها، یا از روی جهالت و ندانم کاری و یا خدای نا - کرده از روی شیطنت، دست به این کارها می‌زنند..."

این همسویی و همزمانی یورش امپریالیسم و ارتجاع داخلی پدیده قانونمندی است، که در واقع جز کوبیدن میخ بر تابوت انقلاب پسر ما داده شده می‌باشد. در کراتیک ۲۲ بهمن ماه معنای دیگری ندارد.

امپریالیسم و ارتجاع داخلی، با اعمال سیاست روشن و اعلام شده خود، که هم از زبان برژینسکی اعلام شده بود و هم از زبان مسلمان نمایانی از نوع "حجت الاسلام موسوی آمریکایی"، در راه دست یابی به اهداف خود موفقیت‌های چشمگیری بدست آورده است. برژینسکی خواسته بوده که با تشدید تبلیغات در باره "کمونیستی" شدن ایران، نفوذ "مسکو" و بقیه در صفحه ۶

## چگونه "ساواک"، بدست لیبرالها بازسازی و بوسیله تسلیم طلبان قتل پذیر شد

دروغ، ریا و تزویر در موضعگیریهای مختلف سردمداران آن بیشتر و بیشتر می‌گردد. از این روست که حاکمان ج ۱۰۱۰ بی قانونی و خفقان قرون وسطی را امنیت و بقیه در صفحه ۴

هر قدر که فاصله حاکمیت ج ۱۰۱۰ از خواست ها و منافع توده‌ها بیشتر می‌شود و هر قدر شتاب خیانت سردمداران ج ۱۰۱۰ بیشتر است، انقلاب و وابستگی آنان به امپریالیسم سریع تر می‌گردد، دامنه عوام فریبی،

## همبستگی حزب کمونیست ترکیه با حزب توده ایران

شرایط سخت دوران خفقان، علیه استبداد سلطنتی و نفوذ امپریالیسم در کشور مبارزه کرده است. سهم مبارزین توده‌ای در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و سپس تلاشهای پیگیر آنان در حفظ دستاوردهای انقلاب، بر همگان روشن است. از اینرو در شرایطی که ارتجاع در ایران به سرکوب بقیه در صفحه ۳

کمته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، طی صدور اعلامیه‌ای در همبستگی با حزب توده ایران و اعضای دریند آن، که تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار داشته و تعدادی از آنان تا کنون جان خود را از دست داده‌اند، از جمله اظهار می‌دارد:  
"حزب توده ایران، بخاطر منافع زحمتکشان و طبقه کارگر ایران، سالیان دراز در

## دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده‌ایهای دریند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

در صفحه ۳

## پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

صفحه ۶

# باقشکیل جبهه متحد خلق ، خطر حتمی و جدی آمریکا را خنثی سازیم!

بقیه از صفحه ۱  
سردمداران ج ۱۰۱۰ ، با دست زدن به قمار خطرناکسی که ناگزیرند در سرراشیب سقوط به وابستگی ، بدان پناه برند ، در برابر این رویداد های نگرانی آورده همان سیاستی را پیش گرفته اند که مطلوب و پسند امپریالیسم است . یعنی با اتخاذ روش های تحریک کننده آنچنان زمینهای را فراهم می آورند که دخالت مستقیم نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه قابل توجیه باشد . هدف فشار و تهدید نظامی امروز ، و دخالت نظامی فردای آمریکا ، تأثیر گذاردن بر روند گسترش جنگ فرسایشی ایران و عراق ، تأثیر گذاردن بر روند تحولات داخلی دو کشور ، بسود منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست .

حاکمیت ج ۱۰۱۰ در چنین شرایط حساسی واکنش های غیر مسئولانه و فلج کننده ای از خود نشان می دهد . آنان با تحلیل ها و تفسیر های مختلف ، سرانجام به این نتیجه می رسند ، که گویا این تهدید چندان هم جدی نیست . آقای رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی بین المللی مهمی گفته اند :

" مدتهاست که سعی می شود احتمال دخالت نظامی مستقیم آمریکا در منطقه ، از جنجوا های مختلف ، با زبانهای گوناگون به ما برسد . ما این مطلب را بسیار دور از تصور می شماریم " ( رادیو ایران ۱۹ آبان ۶۲ ) .

چه چیز دور از تصور است ؟ اینکه رزم ناو ها و ناوشکن های آمریکایی در دهانه تنگه هرمز حاضر شده اند؟! اینکه امپریالیسم آمریکا ، تهدید جدی تجاوز به سوریه را به مرحله اجرا در می آورد . و از این رو بسیج نیروهای ذخیره ارتش سوریه و پشتیبانی قاطع اردوگاه سمور سیالیسم و در مرکز آن اتحاد شوروی از این کشور انقلابی مراحل نهایی خود را طی می کند — اینکه ، حکام عراق ، که بد طولایی در بمباران شهر های بی دفاع ایران دارند ، با استفاده از حضور نظامی امپریالیسم آمریکا ، سهراتاند اردو های اهدایی امپریالیسم فرانسه را برای بمباران مناطق نفتی ایران بکار گیرند؟! شاید عملی کردن تهدید های حاکمیت ج ۱۰ ، صبی بر بستن تنگه هرمز دور از تصور باشد!

آقای رئیس جمهور در یک جمله به تمام این سوالات پاسخ می دهند :

" بعید به نظر می رسد آمریکا حاضر باشد به پرتاب سنگ و سنگ اندازی یا کسی دست بزند " ( همانجا )

آری ، رئیس شورای عالی دفاع ج ۱۰ معتقد است ، امپریالیسم آمریکا که برای فتح نظامی جهان کمربند امنی بسته است ، گرنادای انقلابی را در اشغال دارد ، لبنان را با خاک یکسان

کرده و به سوریه دندان نشان می دهد ، مائل تر و رجیم تر از آنست که حتی تکه سنگ ناقابلی به سوی کسی پرتاب کند ! اشتباه نباید کرد ، رئیس جمهور اسلامی از نقل و انتقالات گسترده نظامی آمریکا در منطقه و تدارک سیاسی جهانی و داخلی حساب شده امپریالیسم آمریکا برای اعمال فشار نظامی بیشتر و دخالت نظامی مستقیم در خلیج فارس اطلاع دقیق دارد . برای او ، بعنوان پرچمدار سازش با امپریالیسم و ارتجاع ، رهبر سیاسی و تشکیلاتی تسلیم در برابر راستگرایان دوستدار امپریالیسم ، چاره ای جز این باقی نمانده است ، که در شرایطی که قساوت و بهیمیت و سباحت " شیطان بزرگ " آشکارتر از هر زمان دیگری در معرض دید مردم ایران و جهان قرار گرفته ، به مثابه آوازه گرد ایست و دل رحمی امپریالیسم سخن گوید . او بعنوان رهبر نیروهای ، که بر آنند باید در برابر امپریالیسم آمریکا " نرمش " نشان داد تا بر سر " عقل " آید و انقلاب اسلامی را " درک " کند ، در این شرایط حساس چه توضیح دیگری برای مردم ایران دارد که افشاگر و نفی کننده سیاست سازش و تسلیم دولت ج ۱۰ نباشد و چگونه می تواند تقاضای خویش و متحدانش را ، در برابر استعدای عقل و تدبیر و رحم به زبان دیپلماتیک به پیشگاه امپریالیسم آمریکا تقدیم نکند!

در واقع همین اظهارات ، بیانگر نخستین بازتاب های سیاسی افزایش فشار نظامی امپریالیسم آمریکا ، در حاکمیت راستگرای ج ۱۰ است . چنانکه پیش بینی می شد ، با نخستین موج شکننده فشار نظامی آمریکا ، پرچمداران سازش و تسلیم در حاکمیت ج ۱۰ ، به کرنش بیشتر در برابر امپریالیسم تن در دادند ، و مانند همیشه دنباله روها و مشاطه لگران سازش نیز از دیدگاه خویش به توجیه این کرنش نشسته اند . آقای هاشمی رفسنجانی می گویند :

" آمریکا هم اگر به ایران حمله نمی کند به خاطر این است که می ترسد ۰۰۰ آمریکا در باره ایران تمام کارهای را که می توانسته است کرده است " ( کیهان ۱۱ آبان ۶۲ )!

اما در واقع رهبران ج ۱۰ بی اطلاع نیستند که در پی آمد سیاست های راستگرایانه و تسلیم طلبانه شان از بهمین ۶۱ به بعد ، تحولات فراوانی در میهن ما رخ داده است که طمع و امید امپریالیسم و ارتجاع را برای بدست آوردن امتیازاتی بیش از آنچه کسب کرده است ، افزایش داده است :

— گشوده شدن درها بروی امپریالیسم جهانی ، سلب حق حاکمیت از مجلس شوراهای ارباب اکثریت انقلابی مجلس ، تخلیق روح مردمی و مواد مترقی قانون اساسی ، توقیف قاتسون اصلاحات ارضی و ملی شدن تجارت خارجی ،

تشدید بیسابقه اختناق و شکنجه و سرکوب نیرو های انقلابی و ادامه پیبوده جنگ خانمانسوز ایران و عراق زحمتکشان را روز بروز ناراضی تر و عاصی تر می کند ، راستگرایان و تسلیم طلبان و قشریون حاکم که ایثارها و جان ناپزها و فداکاری های مردم را به کار تثبیت منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گرفته اند ، بیش از پیش اراده و توان بسیج توده ها را برای مقابله با یورش همه جانبه امپریالیسم از آنان سلب می کنند .

— کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع داخلی ، با سرکوب همه جانبه نیروهای پیگیر انقلابی ، در تلاش آنند که متشکل شدن زحمتکشان زیر پرچم این نیروها را مانع شوند تا مبادا اناراضایی شود ، ها از حاکمیت ، به زرفش گرایش انقلابی در میان زحمتکشان پیا بجایند . مانعت از تشکیلات انقلابی توده ها ، امکانات امپریالیسم را بسراری وارد آوردن ضربات نهایی بر پیکر انقلاب گسترش داده است .

— امپریالیسم آمریکا در تهاجم عمومی اخیر خویش به جنبش های انقلابی مهارت و سفاکی بیسابقه ای در اجرای نقشه کلاسیک " تفرقه بینداز و سرکوب کن ! " نشان داده است . در گرنادا شکاف در میان نیروهای انقلابی مقدمه اشغال نظامی بود ؟ در لبنان جنگ برادر کشی در صفوف سازمان آزاد پیشخ فلسطین و جبهه مقاومت لبنان ، پیش در آمد دخالت نظامی عمومی شد و در میهن ما نیز ، از مدت ها پیش ، اجرای این نقشه جهانی به رهبری مستقیم سازمانهای جاسوسی امپریالیستی ، قدم به قدم به مراحل نهایی نزدیک می شود ؟ و نه تنها در میان پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی ، بلکه در میان مسلمانان انقلابی در رده های پایین حاکمیت و خارج از آن نیز تفرقه انداخته و توان مقاومت عمومی انقلاب را به شدت تحلیل برده است .

— در سطح جهانی ، اجرای " نقشه " پرژینسکی " بوسیله راستگرایان و تسلیم طلبان ، با تشدید افسار گسیخته جو کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی ، شکاف میان ج ۱۰ و جبهه جهانی ضد امپریالیستی پشتیبان انقلاب ، و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی را گسترش داده است . تهاجم عمومی امپریالیسم در کانون های متعدد ، جبهه جهانی ضد امپریالیسم لیستی را با کار تدارک جدی مقابله با تجاوز به شدت درگیر کرده است . شو نسیسم عظمت - طلبانه و موضع گیری های سراپا نادرست سیاسی رهبران ج ۱۰ ، به امپریالیسم آمریکا امکان داده است که افکار عمومی جهانی را بسود مقاپله نظامی با ج ۱۰ تحریک کند . در این شرایط

# دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده ایهای دربند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

بقیه از صفحه ۱ پس از سرکوب وحشیانه حزب توده ایران توسط سردمداران ج ۱۰۱۰ که برای تحقّق بخشیدن "به آرزوهای" امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، طبق دستورات برژینسکی صورت گرفت، محافل دمکراتیک و سازمانها و احزاب مترقی جهان، یک-پارچه بابت اعتراضی و خشمناک خود را علیه این توحش افسارگسیخته که بیش از هر چیز، ویرانی بنای انقلاب مردمی و ملی بهمین ماه ما را هدف خود قرار داده، در دادند تا یکبار دیگر ثابت کنند، جوانانهای حقیقتی که در دل مردم واقع-بین و جانبدار استقلال - آزادی، و صلح جهانی می شکند، تحت هیچ شرایطی پژمردنی نیست.

اینک ما گوشه‌ای از این اعتراضات و اعلام همبستگی‌های غرور آفرین این محافل و احزاب و سازمانها را منعکس می‌سازیم:

## اسپانیا

طی برگزاری جشن روزنامه "آوانت" ارگان مرکزی حزب کمونیست کاتالونیا، که از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر (۲۴-۲۶ مهرماه) در ریاسلون برگزار گردید (و شرح آن در شماره ۶۷ "راه توده" درج گردیده است) کنفرانسهای تیز در رابطه با اوضاع سیاسی مناطق مختلف جهان و از جمله منطقه خاور میانه، برگزار گردید که در آن رفقای حزب توده ایران به ارائه تحلیلی از شرایط کنونی ایران، غلبه راستگرایان در حکومت، یورش به دستاوردهای مردمی انقلاب ایران و سرکوب حزب توده ایران، مورد بحث و گفتگو آنان ضمن ایراد سخنانی در رابطه با اعمال شکنجه‌ها و وحشیانه به مبارزین دفاع از زحمتکشان ایران، پر حزب ما در زمینه دفاع از زحمتکشان ایران، بر این واقعیت تأکید کردند که راه شهدای قهرمان حزب را ادامه خواهند داد. سخنران جلسه، همچنین خاطر نشان ساخت:

"پیکر زخم خورده طبقه کارگر ایران، هرگز بر زمین نخواهد افتاد! این واقعیتی است که امپریالیسم و حاکمیت راستگرای ج ۱۰ آرزوی نابودی پیشاهنگ این طبقه را به گور خواهد برد."

حاضرین در این جلسه با کف زدنهای پسر شور، بار دیگر همبستگی خود را با حزب توده ایران و رفقای دربند ایران داشته و با افسانهای کارت پستالهای اعتراضی، جنایاتی را که در سیاه چالهای ج ۱۰ بوقوع می‌پیوندد، محکوم نمودند.

● "کمیته دفاع از انسالوادور" در کاتالونیا، طی ارسال نامه‌ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، خواستار قطع شکنجه‌های بیرمزشانه در مورد زندانیان توده‌ای و سایر دمکراتهای دربند در ایران و آزادی بلا درنگ و بدون قید و شرط آنان گردیده است. در نامه، همچنین درخواست از سرگرفتن فعالیت آزادانه حزب توده ایران،

تأکید شده است.

● فرستنده رادیویی "میر امار" یکی از مهمترین فرستنده‌های رادیویی کاتالونیا، طی بخش پرتابه و ویژه‌ای راجع به رویدادهای ایران، به بررسی یورش وحشیانه به حزب توده ایران پرداخته و طی مباحثه‌ای با یکی از رفقای حزب ما در این استان، نقطه نظرات حزب را تشریح کرده است.

## آمریکا

در سوین دنفرانس کشوری "شورای صلح ایالات متحده آمریکا"، که از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر

(۲۲-۲۴ مهرماه) در شهر شیکاگو برگزار گردید، قطعه‌های با تفاق آرا به تصویب رسید که طی آن به بازداشت و شکنجه‌های وحشیانه فعالین شورای صلح در ایران شدیداً اعتراض شده و همبستگی شورای صلح با این مبارزین اعلام شده است.

قطعه‌نامه همچنین، خواستار اعزام هیأتی بین‌المللی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان، جهت بررسی وضع زندانیان و تشکیل دادگاههای علنی برای کلیه مبارزین راه صلح و آزادی در ایران، با حضور ناظرین بین-بقیه در صفحه ۱۶



در کنفرانس ویژه بررسی اوضاع خاورمیانه یکی از اعضای حزب توده ایران در رابطه با دستگیری و شکنجه توده‌ای‌های دربند سخن می‌گوید.

## همبستگی حزب کمونیست ترکیه با حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱ حزب کمونیست ترکیه، مقاله‌ای تحت عنوان "کمونیستهای ترکیه در ضد و ضد روش رفقای توده‌ای"، درج گردیده است که طی آن توضیحات علیه حزب توده ایران و شکنجه‌های طاقت فرسایی که رفقای دربند ما در سیاهچالهای ج ۱۰ متحمل می‌شوند و تحقیر و بیگرد کمونیستها مورد بررسی قرار گرفته و این جنایات محکوم گردیده است.

مقاله همچنین با اشاره به ابعاد کشته‌شکار کمونیستها در ایران بخود گرفته و پیاپی در نظر گرفتن مواضعی که امپریالیسم زیر سایه سیاست ضد کمونیستی حکومت ایران، قدم به قدم در این کشور باز پس می‌ستاند، حکومتی را که این چنین بر علیه منافع مردم زحمتکش ایران عمل می‌کند و با شکنجه و کشتار مدافعین مردم، درها را بروی امپریالیسم می‌گشاید، محکوم به فنا دانسته و در پایان تأکید کرده است که منافع خلقی ترکیه در استقرار آزادی در ایران و داشتن رابطه دوستی و مودت با کشور همسایه است و از اینرو، حمله به حزب توده ایران و به اعضا و هواداران آن، در واقع حمله به منافع خلق ترکیه است.

این حزب دست زده است، حزب کمونیست ترکیه طبقه کارگر و کلیه آزادخواهان و میهن پرستان این کشور را به اعلام همبستگی با حزب توده ایران فرا می‌خواند.

دستگیری میهن پرستان ایرانی در ترکیه، به اتهام توده‌ای بودن و اعلام تحویل دادن آنان به دولت ایران، واقعه‌ای عادی نیست و باید آنرا در رابطه با نقشی که از طرف امپریالیسم آمریکا توسط کودتاچیان حاکم بر ترکیه به کشور ما تحمیل شده، در نظر گرفت.

این امر زمانی به وقوع می‌پیوندد که ده‌ها هزار ضد انقلابی تحت نظر حکومت کودتاچیان، در خاک ترکیه بسر می‌برند و خود را در امان می‌بینند.

مردم ترکیه نمی‌توانند تماشاگر این توطئه‌ها باشند. باید با تمام قوا به افشای نقشی که حکومت دیکتاتوری ترکیه بفتح امپریالیسم و ارتجاع در منطقه و بر علیه مبارزین راستین منافع خلقهای آزادی می‌کند، برخاست.

● همچنین در "جهش" ارگان مرکزی

# چگونه "ساواک" بدست لیبرالها بازسازی و بوسیله تسلیم طلبان تطهیر شد

بقیه از صفحه ۱

آزادی، فلاکت و فقر و بی خانمانی زحمتکشسان را عدالت اجتماعی، افزایش بی سابقه وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را خودکفائی، سرکوب خشن علم و هنر و فرهنگ اجتماعی را فرهنگ و ارزش اسلامی و بالاخره گسترش فساد و فحشا و قاچاق و غیره را "جامعه سالم اسلامی" می خوانند. اما عرصه‌ای که سردمداران ج ۱۰ بیش از همه در آن به ریا و تزویر و فریبکاری دست می زنند، میدان حکومت دستگاه خفقان و سرکسوب است. سخنگویان تبلیغاتی رژیم در این پهنه جنایات ساواک بازسازی شده و به خدمت "اسلام" درآمده را به نام "جوانان گمنام" و مخلصان اسلام معرفی می کنند. آیا واقعیت هم همین است؟! بی هیبه تردیدی می توان گفت: نه!

سابقه بازسازی و به کارگیری ساواک جهنمی به چند ماه پس از انقلاب بر می گردد یعنی در حالی که مردم ما هنوز در سوگ فرزندان غیر خود که در فتح سیاهالها و شکنجه گاههای ساواک شهید شده بودند، لباس عزای تن داشتند!

حزب ما در آن زمان با احساس مسئولیت انقلابی در برابر مردم و انقلاب و نگران بازبهای امپریا- یالیسم و ارتجاع هشدار داد و روزنامه "مردم" ارکان مرکزی حزب در چهارمین شماره خود بعد از انقلاب در ۱۵ فروردین ۵۸ طی مقاله‌ای تحت عنوان "ما عمیقاً نگرانیم" نوشت:

"روز پنجشنبه، درست در آستانه فراندوم، امیرانتظام سخنگوی دولت، مطلب بسیار مهمی گفت که به عمد یا تصادف در میان انبوه خبرها گم شد. امیر انتظام گفت که یک گروه سه نفری مأمور تسویه امور ساواک شده اند. سخنگوی دولت اسامی این سه تن را ذکر نکرد ولی توضیح داد که ساواک وسائل و دستگاههای معظمی دارد که میلیاردها دلار می ارزد از این وسائل باید استفاده کرد! امیر انتظام ادعا کرد که قانون حفظ امنیت اجتماعی، که سازمان امنیت و اطلاعات کشور - ساواک بر مبنای آن تشکیل شده، در آغاز به قصد مبارزه با جاسوسان خارجی بوده، ولی در عمل مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. بنظر سخنگوی دولت می توان از این قانون و از همه تاسیسات و دستگاههای ساواک حسن استفاده کرد."

مجموعه آنچه که سخنگوی دولت درباره ساواک بیان کرد، عجیب و مدعیه است. اگر آنچه گفته شده اجرا شده، ساواک بازسازی می شود. درست زمانی که مردم زجر کشیده ایران بحسب خواستار بران کردن کامل ساواک و تار و مار کردن بقایای این سازمان کاذبتری هستند زمانی که خود امیر انتظام مجبور شده است اعتراف کند که ۱۵ گروه پنهانی ساواک علیه

انقلاب فعالیت می کنند و هر روز خبر تازه‌ای از جنایات ساواک انتشار می یابد، باور نکردنی است که سخنگوی رسمی دولت موقت انقلابی به جای اعلام نتایج اقدامات دولت، علیه این سازمان چنیتکار و مجازات عمال آن مطالبی عنوان کند که به معنای آغاز بازسازی ساواک است. حزب ما در دنباله این مقاله، پس از افشای فریبکاری امیر انتظام در مورد اهداف اولیه ساواک، با استناد به لایحه تشکیل این سازمان سرکوبگر، ساواک را از روز نخست عامل نفوذ سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در کشور ما و وسیله سرکوب مردم دانسته و آنرا سازمانی که از پایه و ریشه برای خدمت به اجانب، علیه مردم ایران تشکیل شده و در هیچ حالتی ممکن نیست برای خدمت به مردم و برای مقابله با اجانب به کار افتده می خواند. روزنامه مردم در مورد تاسیسات و دستگاههای آن نوشت: "واما تاسیسات و دستگاههای ساواک! این ها واقعا هم گرانقیمت است، ولی فقط برای نبرد با مردم ایران، اخلال در مناسبات ایران با همسایگان و جمع آوری اطلاعات برای تقدیم به سیا و موساد به درد می خورد. ما نمی دانیم چگونه دولت موقت می خواهد از این وسائل به سود مردم بهره گیرد. مثلا ساواک د و سری کابل ۱۸۰۰ زوجی دارد که قادر است چند هزار تلفن را در آن واحد، در مراکز مختلف تلفن تهران کنترل کند. ساواک برای گوش کردن و ثبت تلفن مردم، دستگاهی دارد که مدرنترین نوع خود درجه ۱ است. ۵۰۰۰ سایر تاسیسات بودتگاههای ساواک هم از این نوع است. وسائل شکنجه است؛ زندان است، گوش کردن مخابرات داخل کشورهای همسایه است. چگونه میتوان این ها را به سود مردم به کار انداخت؟"

یک هفته بعد روزنامه "مردم" شماره ۲۲، ۵ فروردین ۱۳۵۸ در مقاله‌ای زیر عنوان "سازمان امنیت جدید کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده است" چنین نوشت: "ساواک با دستیار و پشتیبانی "سیا" به تجدید سازمان پرداخته و فعالیت پنهانی خود را بر تجدید انقلاب آغاز کرده است. و این را همه می دانند، بهرجهت کشف آشکاری "مردم" ولی متأسفانه دولت به جای مقابله جدی و قاطع با این پدیده خطراتک سرگرم تشکیل سازمان امنیتی جدید (ساواوا) و بعد ها ساواوا) است. و این سازمان امنیت هم نخستین کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده و این را هنوز هم نمی دانند. چون طبق تجربه تمام تاریخ معاصر ما، هرگونه یورش به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم، هرگونه توطئه بر ضد استقلال و حاکمیت ملی ما، با هجوم به کمونیستها، چه در زمینه سیاسی و تبلیغاتی و چه در زمینه انسانی و سازمانی آغاز شده است."

آن وقت مردم و همه محافل، احزاب، سازمانها و شخصیتهای ملی، دموکراتیک و مترقی حق دارند که در برابر چنین پدیده‌های عمیقاً نگران‌کننده طبق اطلاعات موفقی که به دست رسیده همزمان با تشدید تبلیغات ضد کمونیستی، هم اکنون کنترل خانه ها، تلفن ها و فعالیت های اعضا و هواداران حزب ما و همچنین عده های از سازمانها، شخصیتها و عناصر صدیق و اصیل انقلابی از جانب سازمان امنیت آغاز شده است. چنین اعمالی نه فقط نقض حقوق و آزادیهای تضمین شده از جانب رهبر انقلاب و دولت موقت انقلابی است، نه فقط وظیفه سازمان جدید امنیت نیست، و نباید باشد، بلکه در آخریست تحلیل به خطر انداختن انقلاب و دستاورد های آنست. زیرا محدود کردن و به طریق اولی متوقف ساختن فعالیت های سازمانها، شخصیت ها و عناصر صدیق و اصیل انقلابی، از جمله اعضا و هواداران حزب ما، که تمام نیروی خلاق خود را برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه به کار انداخته اند، به هر شکل و بهانه‌ای که باشد، چیزی جز تضعیف جنبش انقلابی مردم ایران نیست که سرانجامی جز متوقف ساختن انقلاب در نیمه راه ندارد. تزلزل و بی برنامه گی و بی لیاقتی رهبران جمهوری اسلامی از یک سو، و تلاش عوامل و جاسوسان امپریالیسم که در تار و پود دستگاه حکومتی رسوخ کرده اند از سوی دیگر، نه تنها مانع بازسازی و بکارگیری ساواک زائیده سیا و مصاد نشد، بلکه آن دستگاه مخوف با همه وسائل و امکاناتش "یاری" و "کمک مغزهای متفکری چون فردوستها" و سایر عوامل ساواک که سالها در "آموزشگاههای" اقرارگیری آمریکا آموزش دیده بودند علیه صدیق ترین و داناترین مدافعان انقلاب مردم بکار گرفته شدند و می شود.

آیا هم زبانی حکامان جمهوری اسلامی با ریگان، حتی پیشتازی آنان در جنگ صلیبی اش علیه کمونیسم و اعمال وحشیانه ترین شیوهها در مورد انقلابیون و اخراج دیپلمات های اتحاد شوروی به همان شیوه و هم زمان با اقدامات مشابه در کشورهای سرمایه داری غرب و مطیع توصیه های آمریکا، تنها بیانگر خیانت و تسلیم خفت بار حکامانی نیست که روزی از آزادی کمونیستها در بیان عقایدشان در حکومت اسلامی صحبت می کردند؟ بی شک ساواک "مسلمان" شده (ساواوا) از این روحیه تسلیم طلبی، به بیشترین بهره راکرفته است و به متابله سازمانی که تار و پودش وابسته به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی است توانسته است نقشه های ریگان را بدست سردمداران جمهوری اسلامی به اجرا در آورد. بقیه در صفحه ۶

# چشم انداز تیره امر آموزش زنان

" متناسب با ظرفیت های جسمی و روانی و مقام ولای زن (!!) نیست معاف (!) کرده اند بنظر آنان زنان می توانند و باید از طلوع تا غروب آفتاب با پشت خمیده در مزارع گندم و برنج و چای کار کنند، می توانند با جنینی در شکم و کودکی بر پشت گله را بدوشند، طویله پاک کنند و برای تأمین سوخت زمستان خانه های محقر خود سرگیسن حیوانات را چنگ بزنند و آماده کنند، می توانند با پای برهنه و پر آبله بر دشتهای سوزان مناطق جنوب و حاشیه کویر، کیلومترها پیاده بیمایند و مخلوط بد رنگ و بد بوئی را بعنوان آب آشامیدنی در مشک های سنگین به دوش بکشند، می توانند

همه می دانند و می بینند که روستایان زحمتکش ایران، زن و مرد و دختر و پسر، در عرصه پیکار و تولید و کار همواره در کنار هم و در شادوش و یکدیگر کوشیده اند. ویژگی های زندگی روستایی در مینما، ایجاد هرگونه دیوار و سدی که به طور ساختگی زنان و مردان را از یکدیگر جدا کند غیر ممکن می سازد. زنان زارع در شالیزارها با پایهای عریان و تا زانو در لجن، در کنار مردان زحمتکش روستا یا کار طاقت فرسا، برنج خوش طعم برای سفره آقایان تدارک می بینند. هیچگاه ساعد آفتاب سوخته زنان روستایی مشکل شرعی (!) ایجاد نکرده است. اما ناکهان دختران

عقب افتادگی در زمینه آموزش میبوی و درصد بالای بیسوادی در مینما واقعیت دردناکی است که آثار و نتایج مترتب بر آن، هر روز ابعاد تازه تری به خود می گیرد. بر طبق آمارهای موجود بیشتر از ۷۰٪ جمعیت ایران از سوواد خواندن و نوشتن بی بهره اند. این آمار در مورد زنان به رقم تقریبی ۹۰٪ و در مورد روستایان به رقم فاجعه آمیز ۹۸٪ می رسد. طبق اصل سی و یکم قانون اساسی، دولت ج ۱۰۱۰ " موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور، بطور رایگان گسترش دهد "

مسئولان ج ۱۰۱۰ تا کنون نه تنها قدمی در راه تحقق این اصل مترقی و مرد می قانون اساسی برنداشته اند بلکه با ایجاد سدها و موانع هنوعی در راه تحصیل کودکان ایران، بخصوص دختران دانش آموز، در جهت عکس آن عمل کرده اند. خرابکاران نقابدار و وابسته به امپریالیسم و قشریون مرتجع، دست در دست هم آنچه شان شرایطی در ایران فراهم آورده اند که چشم اندازی جز یأس و تاریکی در مقابل دختران وجود ندارد. به استثنای دوران کوتاه اوایل پیروزی انقلاب بهمین توسعه دستها و دبیرستانها به کندهای صورت می گیرد و در اینجا و آنجا، مدارس دخترانه به بهانه های گوناگون منحل اعلام می شوند. عوامل امپریالیسم و قشریون واپس گرا زیر نقاب " حفظ منافع عالی اسلام " دست به اقدامات سازمان یافته و منظم، در جهت سیر قهقرازی آموزش و فرهنگ عمومی و به ویژه راندن دختران و زنان به کنج خانه و آشپزخانه و محروم ساختن آنان از کسب دانش و فن دست زده اند.

حکومت راستگرا و قشری ج ۱۰۱۰ که با دقت و وسواس اغراق آمیزی مراقب است تا یک تار موی زنان در معرض دید قرار نگیرد، حضور دبیران و معلمان مرد را، در کلاسهای دخترانه با وجسود رعایت کامل حجاب - ممنوع کرده است. اخراج هزاران دبیر معلم زن با تجربه از آموزش و پرورش به " دلیل " درگرایش و یا به بهانه های پوچ و تنگ نظران و در حقیقت به جرم " زن بودن " نیز عامل دیگری است که سطح آموزش در دبیرستانهای دخترانه را به حد اقلی ممکن رسانده است. رشته ریاضی از بسیاری از دبیرستانهای دخترانه حذف شده است و کلاسهای که کمتر از ۳۰ دانش آموز دارند، منحل می شوند.

مسئولین آموزش و پرورش ایران، با الهام از طرز تفکر خاص خود، محتوای آموزشی کتابهای درسی دختران را تخفیر داده اند. بزم آسان، مهترین وظیفه زن، فرا گرفتن آشپزی و خانه داری و خدمت متواضعانه به شوهر است. تشکیل کلاسهای مختلط، در دبستانهای روستایی ممنوع اعلام شده است.



بجای حیوانات خشیس بخود ببندند و شخم بزنند، بکارند، بدرونند و بکوبند و نان تازه برای سفره " حکام " خود حاضر کنند. می توانند در کارگاههای تاریک و نور قالی بافی بیژمردند و قالی خوش نقش زیر پای آقایان بگسترند. می توانند در کارخانهها در محیط پر غبار و غیر بهداشتی، جوانی و شادابی خود را در پهای مظالم سرمایه داران غارتگر و اشتباهی سیبری ناپذیر آنان به زرانوری فدا کنند. می توانند از پام تا شام در کارگاهها، مدارس، بیمارستانها و سایر مؤسسات کار کنند و زحمت بکشند، مبی- توانند و باید تمام عمر بعنوان زنان خانه دار بدون هیچ گونه حق و حقوق، چون بردگان خانگی، بدوزند و برویند و بپزند و بشویند، اما نمی توانند به عنوان مدیر و کارشناس و پرتانه ریز به جامعه خدمت کنند و با استقلال اقتصادی بدست آمده بقیه در صفحه ۱۵

و پسران خردسال روستایی، از حضور زیر سربک سقف و شرکت در یک کلاس برای تحصیل دانش محروم می شوند. بزم مسئولان قشری آموزش و پرورش گویا این امر " محل به میانی اسلام است " به این ترتیب از آنجا که حد نصاب لازم برای تشکیل کلاس را ۱۰ نفر قرار داده اند، در بسیاری از روستاها، کلاس دخترانه تشکیل نمی شود. واقعیت اینست که به علت فزونی نرخ رشد جمعیت در ایران، نسبت به رشد سووادآموزی، هر سال تعداد بی سووادان بخصوص بی سووادان زن، افزایش می یابد.

بر طبق تصمیمات مسئولان انقلاب آموزشی، زنان از تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی مانند کشاورزی و دامپروری، رشته های مختلف فنی و مهندسی، زمین شناسی و معدن، باستان شناسی و غیره محروم شده اند. آنان زنان را از کار و تحصیل در زمینه هایی که با اصطلاح

# هنوز هم "نصیحت"، و "موعظه"!!

بقیه از صفحه ۱

"حزب توده" جو شوروی ستیزی و تسوده ستیزی در ایران دامن زده شود تا "مسکو" دیگر نتواند از ج ۱۰۱۰ و انقلاب آن دفاع کند.

برژنفسکی و اربابان او توانستند بدست همان نهان و آشکار خود در حاکمیت و پیرامون آن وزیر پرچم "نه شرقی و نه غربی" به این هدف دست یابند، نیروهای مدعی طرفداری از منافح مردم در حاکمیت، تسلیم آنها و راستگرایان شدند و عملا پلهای بیشمار پشت سر خود را در ارتباط با بشریت ترقیخواه و کشورهای ضد امپریالیست جهان و بویژه اتحاد شوروی، کشتور همسایه و دوست انقلاب ایران ویران ساختند.

"حجت الاسلام موسوی" رئیس مسلمانان آمریکا، در روزنامه لوس آنجلس تایمز طلب کرده بود با دامن زدن به توده ستیزی که به سر دبداری "انجمن حجتیه" و اعضای علنی و نهان آن، از جمله توسط به اصطلاح "توابعین" آن "انجمن" انجام شد، تلاشی جبهه نیروهای مردمی تکمیل شود. در حالیکه سازمان های راست - چه سیاسی یعنی حجتیه و حزب

"کنار گذاشتن" هر آنکس که نشانی از صداقت دارد، توسط "چریان یا خطی در بعضی از ارگانها مانند آموزش و پرورش و یا در بازار و دیگر ارگانها"، تنها و تنها در جهت تداوم همین سیاست سیر می کند. هدف این سیاست "پاکسازی" کامل همه نیروهای صادق و کم و بیش پایبند به اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب است.

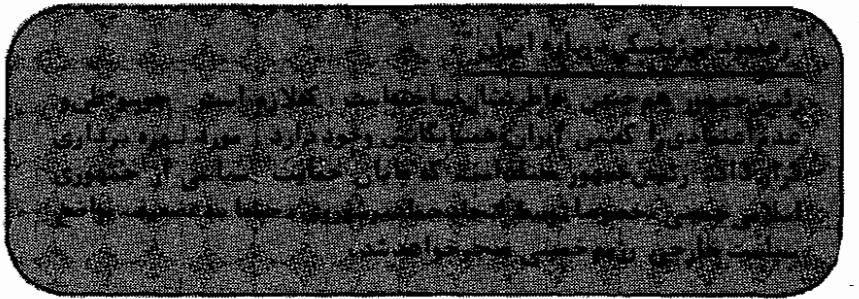
امپریالیسم - همزمان با تدارک بیورش علنی نظامی خود، و ارتجاع با اعمال این سیاست - می کوشند با ارباب بقایای این نیروها در رده های پایین حاکمیت، آنان را نیز به تسلیم وادارند و در صورتی که این نیروها به سازش تن در ندادند، در موقع ضرور و در شرایط تشدید ضعف مواضع آنان، ضربه نهائی را بر پیکر این نیروها وارد سازند. پراکندگی نیروهای کم و بیش پایبند به مواضع ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب در رده های پایین حاکمیت و عدم بر خودداری آنان از یک سازمان مشکل، این نیروها را - چه بخواهند و چه نخواهند - در برابر

رده های پایین حاکمیت - مجلس، دولت و نهادهای ۱۰۰۰ - سازمان مشکل خود را ایجاد کنند و با روشن کردن مواضع صریح خود بسری توده های میلیونی و مشخص کردن مرز مواضع خود و تسلیم شدگان، حداقل شرایط سازشندگی را برای توده مردم فراهم آورند.

۲- باید با تشکیل "جبهه متحد خلق"، که در آن تمام نیروهای صادق ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری و مردمی میهن ما، - صرف نظر از اعتقادات و نظرات سیاسی - آید ثلوثیک خود - گرد آیند و تحقق یک برنامه مشخص و حداقل مورد توافق را ممکن ساخته و به نبرد بی امان با امپریالیسم و ارتجاع دست یازند.

همانگونه که حزب توده ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اعلام کرده است، تشکیل "جبهه متحد خلق" تنها و تنها وثیقه و تضمین به پیروزی رساندن انقلابات ملی - دموکراتیک، در دوران فعلی جهان است. تردیدی نیست، که عدم پذیرش این اصل، از جانب نیروهای مسلمان و مردمی میهن ما، در سالهای بعد از انقلاب علت اصلی در افتادن انقلاب در ورطه شکست و مرگ بوده است.

باید یکبار دیگر به آن مسلمانان انقلابی راستین، که هنوز به سهمگینی این فاجعه پدید آمده بی نبرد هاند و هنوز بجای عمل، به نصیحت و بازگویی جملات کلی، مبهم و غیر مشخص بسنده می کنند، با تمام قاطعیت هشدار داد و مسئولیت آنها را گوشزد کرد!



## چگونه "ساواک"...

بقیه از صفحه ۴

و این لکه تنگ را برای اید به دامن کسانی بنشانند که خود ریزی قربانیان این دستگاه سرکوب بودند ولی در جاده خیانت و روگردانی از مردم به تطهیر کنندگان و ستایشگران این چریان اهریمنی و اعمال جنایتکار آن تحت عنوان "جواک" گفام بدل شده اند.

ولی در نظر مردم میهن ما، این پدیده ضد بشری که اکنون با همه دستگاههای گران بهای "خود سیخ و خونخوارتر به انتقام جویی از بی گنجهترین مدافعان انقلاب و مرد پسر خاسته است، همان دستگاه دهشتناکی است که فرزند آن، پدران و مادران آنها را زیر شکنجه قطعه قطعه می کرد و می کند، به مادران و دختران و خراهران آنها به بیشرمانه ترین شیوه ها هتک حرمت می کرد و می کند و اجساد سوراخ سوراخ شده فرزندانشان را در دریاچه قمشهر زارهای کثیر به قعر آبها و به لا شخواری می سپرد و می سپارد.

خون عزیزان و تحقیر انسانی، چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن چشم پوشید. کینه و نفرتی که مردم ما از ساواک و اعمال ضد انسانی آن داشتند سبب شد که روزهای غرور آفرین بهمن ۵۷ با هر وسیله ممکن و با شجاعت و خشمی کم نظیر خانه های مخوف و شکنجه گاههای آن را در نبودند.

این کینه و نفرت و خشم همچنان در قلب جریحه دار شده مردم ما باقی است.

ضربه های امپریالیسم و ارتجاع شکست پذیر ساخته است. همانطور که نقدان جبهه متحدی از تمام نیروهای ضد امپریالیست در میهن ما، انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن را به هدف فریاد ضربه پذیر امپریالیسم و ارتجاع بدل ساخت.

تردیدی نیست در اینکه غلطیدن انقلاب در سراسیمه مرگبار شکست برای انقلابیون راستین - چه مذهبی و چه دگر اندیش - بسیار دردناک و برای خلقهای میهن ما و تاریخ آن فاجعه آمیز است.

تردیدی نیست در اینکه شرایط دفاع از دستاورد های انقلاب ملی - دموکراتیک ۲۲ بهمن، به مراتب دشوارتر از زمانی است که ارتجاع و راستگرایان بر حاکمیت ج ۱۰۱۰ مسلط نبودند و تسلیم شدگان در لباس "کوچ نشینی" به "کاخ نشینان" بدل نشده بودند. ولی اکنون نیز می توان و باید برای سد کردن راه سقوط نهایی انقلاب و بازگشت جمهوری از راه رفته، کوشید و فعال بود. این دینی است، که تاریخ بر گردن تمامی نیروهای صادق انقلابی، به پشتوانه خون شهیدان انقلاب و جنبش میهن ما، نهاده است.

برای انجام این وظیفه میهنی و انقلابی باید:

۱- نیروهای مسلمان صادق و انقلابی در

ج ۱۰ تحت دبیر اولی آقای خامنه ای و چه سیاسی - اقتصادی یعنی "اطاقهای بازگانی" سازمان اقتصاد اسلامی و ... هم در نهان و هم آشکارا به تشدید فعالیت پرداخته بودند، ارتجاع یا بیورش قنانون شکنانه خود به حزب توده ایران به سرکوب خونین نیروهای ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی در ایران ادامه داد.

اکنون ج ۱۰۱۰، یا به اصطلاح جمهوری "نه شرقی و نه غربی" بقول سردمداران حاکمیت "منفرد" در صحنه پرتلاطم و نا امن منطقه خاور میانه، به طعمه لذیذ و راحت الوهل امپریالیسم و ارتجاع بدل شده است.

بدیهی است، در چنین شرایطی امپریالیسم و ارتجاع از هدف اولیه خود، یعنی باز پس گرفتن "تمامی ایران" یک گام هم، پس نخواهند نشست. آنها می دانند و نیک نیز می دانند، که در ایران باید سکوت گورستانی و اختناق بی حجاب تحکیم بخشید. و این اصلی است که راستگرایان و تسلیم شدگان نیز بر آن صحه گذاشتند و در جهت پیاده کردن این اصل، از هیچ کوششی دریغ نرزدند! سخنان رئیس مجلس در نماز جمعه و وعده خفقان واقعی برای مردم در این رابطه، بی دلیل بر زبان رانده نمی شود!

## باتشکیل جبهه متحد خلق، خطر حتمی و...

بقیه از صفحه ۲

ناشیانه سران حاکمیت در برابر امپریالیسم، که راه را هر چه بیشتر برای تثبیت و تحکیم سایش هموار می سازند، همچنان امپریالیسم درنده آمریکا را به عنوان دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان افشاء می کنند. نخستین گام ها را در راه اتحاد عمل، با نیروهای پیگیر انقلابی در خارج از حاکمیت بر می دارند. این اتحاد عمل در افشای سازش با امپریالیسم و پشت کردن به منافع توده ها، سنگ پایه تشکیل جبهه متحد خلق است. اما فرصت تنگ است و خطر سهمگین و نزدیک. شتاب اتحاد نیروهای وفادار به آرمانهای اصیل انقلاب باید از شتاب اجرایی توطئه های امپریالیسم پیشی گیرد.

هر چه زودتر در جبهه متحد خلق، در راه تحقق آماجهای انقلاب متحد شوم و مبارزه سازش ناپذیر با امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا را ادامه دهیم.

### مردم مرفقی جهان،

آغاز ۴۳ - مین سال تشکیل

حزب طبقه کارگر ایران را

جشن گرفتند

#### اتریش

در مراسمی که بمناسبت بزرگداشت آغاز چهل و سومین سالگرد حزب توده ایران در تاریخ چهارم نوامبر (۱۳ آبان)، در شهر وین، پایتخت اتریش برگزار گردید، رفیق کاکر عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست اتریش، پس از ایراد پیام تهنیت کمونیستهای اتریش بدین مناسبت، بار دیگر خشم و انزجار خود و کباب در رهبری و اعضای حزب کمونیست اتریش را از اعمال جنایات ددمنشانه در مورد زندانیان توده ای ابراز داشت و همبستگی کامل آنان را با حزب توده ایران اعلام نمود.

در این مراسم، همچنین، سازمانهای حزب کمونیست شیلی، نمایندگان دانشجویان ایران، دانشجویان عراقی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش و نیز دانشجویان کمونیست اتریش طی قرائت پیامهای تهنیت، همبستگی کامل خود را با توده ایهای دریند و کلیه مبارزین مرفقی زندانی اعلام کردند.

#### هندوستان

به مناسبت آغاز ۴۳ - مین سالگرد حزب توده ایران، جشنی توسط حزب کمونیست هند - پونه جبهه دمکراتیک دانشجویان سوئدان - هند، اتحادیه جوانان دمکراتیک بحرین - پونا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند - پونا برگزار گردید. در این جشن، رفیق تولن پوله مسئول حزب در پونا و مترجم آثار معروف مارکس به زبان مراتسی، سخنانی در دفاع از حزب ایراد کرد.

مردم در راه برآمدن انقلاب و در هم کوبیدن توطئه های اخیر امپریالیسم و ارتجاع، پیش از پیش به مهده نیروهای جبهه متحد خلق، نیروهای وفادار به آرمانهای انقلاب واگذاشته می شود. بدون شک بسیج توده ها در راه مبارزه پیگیر با امپریالیسم با تعهد پیگیر در راه آماج های اساسی انقلاب، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی پیوند تنگ تنگ دارد. از اینرو، آن گروه از مسلمانان انقلابی، بویژه در مجلس شورا و در پدنه و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی که با تعمیق و گسترش مواضع انتقادی خویش، سازش حاکمیت ج ۱۰، راه خود را از راه تسلیم در برابر امپریالیسم و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان جدا می کنند، و آنانکه برغم مانورهای سیاسی

امپریالیسم آمریکا از امکانات مناسب بین المللی برای وارد آوردن ضربه نظامی بر جنبشهایی که رهبران تسلیم طلبش آنها از جبهه جهانی انقلاب منزوی کرده اند، برخوردار می شود. ارتجاعی ترین نیروهای ضد انقلابی ایران نیز که آشکارا می بینند تناسب قوا بسود ضد انقلاب در حال تغییر است، فرصت را مغتنم شمرده و تدارک نقشه های دامنه دار را به مراحل نهایی نزدیک می کنند. آنان از یکسو، در میان راستگرایان مذهبی در جستجوی متحدان نازهای هستند تا پایگاه اجتماعی خود را گسترش بخشند و از سوی دیگر، امکانات نظامی خود را بیش از پیش افزایش دهند. ما وظیفه خود می دانیم یک بار دیگر به مردم

میهنمان و انقلابیون راستیمن هشدار دهیم، تحریک بی سابقه ای در میان نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا برای دست زدن به اقدامات براندازنده نظامی در هماهنگی با فشار و دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا دیده می شود. تشدید فعالیت محافل سلطنت طلب، تدارک یورش نظامی آنها از پاکستان، خلیج فارس و ترکیه - شمال عراق، که اخبار آن بگوش می رسد، هشدار دهند است.

هیچ یک از این اقدامات و نکات بر حاکمیت ج ۱۰ پوشیده نیست. رهبری ج ۱۰ بهتر از نویسندگان جرید رسمی خویش می دانند که: "ضعف ها و کاستی ها و سو مدیریت ها باعث شده تا آنهایی که امتحان بی کفایتی خود را در عمل به اثبات رسانده اند، مجدداً بخواهند وارد صحنه شده و خود را ناجی انقلاب و ایران بدانند" (کیهان ۱۴ آبان ۶۲).

آنان نیک می دانند که افزایش فشار و تهدید دخالت نظامی آمریکا در رابطه با انقلاب ایران بطور همزمان یک هدف واحد را دنبال می کنند:

راستگرایان و تسلیم طلبان را به تسلیم و جبهه سازی بیشتر در برابر امپریالیسم و ارتجاع و ادارتدو به روند مسخ انقلاب شتاب بیشتری بدهند.

امکانات عملی جبهه براندازی انقلاب را بیشتر از پیش گسترش بخشند.

از این روست که محافل حاکم ج ۱۰ ناگزیرند حقیقت را از مردم پنهان کنند، چرا که خود در پی آمدگرایش طبقاتی و ضعف های سیاسی خویش آنچنان به تدارک سیاسی پیشروی امپریالیسم یاری رسانده اند، که جز با خود افساگری همه سویه نمی توانند نقشه های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را افشا کنند.

در این شرایط بسیار خطیر در تاریخ انقلاب و میهن ما، وظیفه افشای اهداف فشار و خطر دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا با هدف مسخ بیشتر و سرکوب انقلاب ایران، افشای سازشکاری و تسلیم طلبی ناگزیر حاکمیت ج ۱۰ در مقابله با امپریالیسم، و وظیفه بسیج سراسری توده های

## با پرچم بهار

آواز در دهید!

با دشمنان بگوئید:

ما زنده ایم هنوز

چون خلق زنده است.

آواز در دهید!

با دوستان بگوئید:

در فصل سرد و درد

برگی اگر فتاد

یا شاخه های شکست،

مرگ درختان باغ نیست.

آواز در دهید!

باید به فصل یخ،

دستی فشرده تر

در دست من کنید:

آنکه به نام عشق

پل با هر دم را

بر رود خون نهید!

آواز در دهید!

موج پرندگان را

پروانه های رنگ را

در شاخه های دل

ما و دهید:

جوش جوانه ها

(پنهان ز دیده ها)

با پرچم بهار

می آید آشکار.

م-ف

آبان ۱۳۶۲

اشاره :

در پی چاپ بخشی از جزوه پرسش و پاسخ رفیق فرخ نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) ، در شماره پیش " راه تسوده " ، اینک به درج ادامه پرسش دوم : " علل و عوامل این چرخش به راست را چگونه می توان توضیح داد ؟ " - مبادرت می ورزیم . رفیق نگهدار در پاسخ این پرسش ، ابتدا به تعیین قانونمندی های انقلابات ملی و دموکراتیک و انطباق آن ها با انقلاب ایران می پردازد و سپس در توضیح درباره فرود و ویژگی های انقلاب بهمن ماه ۵۷ ، خصوصیات منفی " آن را - - - - - " خصوصیت " تقسیم می کند :

- ۱- افتناع از سیاست اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی ، داشتن گرایش حاد و افراطی انحصار طلبانه و ...
  - ۲- ترس از شکل توده ها در سازمانهای فراگیر و مستقل سیاسی و صنفی تودهای و جلوگیری از آن ،
  - ۳- خصلت ضد کمونیستی و ضد شوروی .
- و اینک دنباله مطلب :

۲- بی برنامگی همراه با محصور ماندن در چارچوب رساله ها و متون قدیمی دیگر که اساسا " پاسخگوی مسائل جامعه سرمایه داری در عصر ما نیستند و برای مقاصد دیگری نوشته شده اند . نیروهای ضد امپریالیستی پیرو امام از یکسو خود را مواجه با جامعه های می بینند که سرمای آنرا مطالب و مفاسد اجتماعی فرا گرفت است از سوی دیگر در جستجوی راه دگرگونی این جامعه حاضر نیستند با شهامت بایستند و برای پیدا کردن راه ، راهی که رساله ها پاسخگوی آن نیست ، اجتهاد کنند . آنها درمانده مانده اند که برای این همه مشکلات اجتماعی روز از کجای عالیجنابان دستور العملی پیدا کنند که توسط مرتجعین انگ " خلاف شرع " روی آن نهجسد ، رئیس جمهور چند ماه پیش در نامه ای خطاب به کارگران که بر سریده بودند تکلیف قانون کار چه می خورد گفته بود ، در لابلای کتابهای فقه اسلامی برگزید حتما " بهترین قانون کار دنیا را خواهیم یافت ... و خالبه بود که کارگران در جواب گفتند " چیزی را که تو طلبه در کتابهایت پیدا نکردی چطور من کارگر پیدا کنم " .

واقعیت اینست که تشکیکی و محافظه کاری مذهبی یکی از فلج کننده ترین نقاط ضعف های نیروهای رهبری کننده انقلاب است . بسیاری انقلابات در شرایطی صورت گرفته اند که رهبران آن مثل ایران تازه پس از انقلاب بفرگ پیدا کردن راه تحول اجتماعی افتاد اند . آنها هم پس از انقلاب هیچ برنامه مدون تحول اجتماعی نداشته اند . اما توانسته اند بسرعت به چنین برنامه ای دست یابند چرا که چنین مانع ذهنی از پیش ساخته شده مصلوب سخت و منجمدی را فرا روی خود قرار نداده بودند . دکاتیمم مذهبی و ترس از چوب تکثیر روحانیون مرتجع شیع عامل مهم درماندگی روحانیت رهبری کننده انقلاب و عدم توفیق وی در متشکل کردن نیروهای خود زیر رهبری یک برنامه عمل مشخص برای تحولات اجتماعی است .

بلاوه این فقری بصورت یک عامل انحراف افکار مردم از مسائل اساسی ، آمیخته شدن ضارعات طبقاتی به مسائل کلی اهمیت ، هر رفتن بخش مهمی از نیروها و تحت فشار قرار دادن دگراندیشان و عوامل ادب و آزار و ناراضی کننده و حدایش انداز بین مردم عمل کرده است . از این جنبه هم حتما " باید تاثیر عامل قشریگری مذهبی در ضعیف کردن پایه های انقلاب در نظر گرفته شود .

بدین ترتیب می بینیم با اینکه برآیند حرکت تاریخی پیروان خط امام بطور عینی جهت گیری ضد امپریالیستی و مردمی داشته است در عمده ترین خصوصیت نسبت آنان برای پیشبرد انقلاب ما بهمار رفت است . اما در کنار این خصمه نقاط ضعفی نیز تحلی می کند که انقلاب را در خطر قرار می دهد و امکان برگشت آنرا فراهم می سازد .

" این نقاط ضعف در حرکت تاریخی پیروان خط امام ، در مجموع آنرا درمداد پیروان " راه سوم " راهی که بن بست است ، قرار می دهد . رهبری انقلاب شعار نه عرفی نه فریبی را راهنمای عمل خود قرار داده بود که خط امام آن را بعنوان راه سوم می فهمید . یعنی تحول اجتماعی باید همواره بدون مستگیری سوسیالیستی و بدون جهت گیری سرمایه داری انجام شود و تجربه بسیاری از جنبشهای راهی بخش نشان می دهد که چنین " تحولی " اساسا " وجود ندارد . اصرار برای ادامه " راه سوم " اصرار بر بی تکلیف نگاه داشتن و به بن بست کشیدن جامعه است . جامعه موجودی پویاست حیات اجتماعی نمی تواند متوقف بماند . نبرد بی امان طبقات خارج از خواست و اراده این و آن برای باز کردن این بن بست ادامه می یابد و اگر نیروهای روشن بین و مخالف سرمایه داری و امپریالیسم در وضعیت نباشند که مهر و نشان خود را بر انقلاب بگویند بدون تردید واجبارا "

# متحد شویم! در دفاع

## مسائل انقلاب

### فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان

سندیکایی طبقه کارگر ، که چنانچه می توانست نقش قطعی در رویداد آغازین خود بود .

در پاییز گذشته وضع طرز برداشتن حتی یک گام دیگر هم ، تصمیم مهم دیگر موکول می شد و اجتماعی بود . در پاییز گذشته ژر رسیده بود که دیگر واقعا " هیچ ف در بن بست ماندن وجود نداشت لحظات تاریخ خود قرار گرفته بود که نه نیروهایی که انقلاب را هد ضعف خود را به حدی جبران که به برداشتن این گام قطعی باشند ، پیشرفت انقلاب بگونه ای بود که پیشرفت انقلاب بشکند .

در پاییز گذشته برای شکستن یک امکان باقی مانده بود . اگر ا می ایستاد نیروهای پیرو مواعید خ توده های مردم را برای براندازی اقدام انقلابی فرا می خواند البته روزروزی و امپریالیسم رها می شد می شدند بلکه انقلاب نیز الزاما " کیفی را پشت سر می گذاشت و در غیاب یک نیروی متشکل ، متحد و عدم شکل سیاسی و سندیکایی امپریالیسم و ارتجاع و فشار بی غربیها موضع گیری رهبری انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی درحکوه آنان وارد آمد بلکه سیاست را امپریالیسم و تثبیت راه سرمایه داری انقلاب آغاز شد .

من فکر می کنم پاسخ واقع بی اما بدون شک درباره دلایل و ارزیابی و نظرات متفاوت از آنچه که هم اکنون در سطح جنبش چهار دسته نظرات خلاصه کرد :

- هیچ تغییر مهم قابل ذکری راستگرایان درون حکومت - راستگرایان بازش کنند و بهمین پنهان کنند ، از این باصلاح بود خود تشخیص می دهند که و حتی الامکان متروک بماند . مطبو می کند که گویا ایران دارد " مستقل " طبقی از عناصر صادقی ضده و پختگی لازم سیاسی هستند ، فراکمیونیستهای انضباطی از غلبه گرایش راست در حکومت وابستگی به شوروی بوده است .

- رهبری انقلاب از اول اند سلطنت طلبان و لیبرالها از تبلیغ کرده اند که امام خصی ایران نبوده است . مقصود او از بود و در تمام این مدت عوام داشته است . این تحلیل سراب تاریخی دوران اخیر کشور است غیر مستقیم انقلاب ایران و حرکت

این بن بست بود طرفداران سرمایه داری و امپریالیسم شکست خواهد شد و انقلاب برگشت خواهد کرد .

در انقلاب ما از ابتدا هیچ معلوم نبود که همسوئی و بهیچگی و اتحاد نیروهای روشن بین خلقی ، یعنی ما ، مجاهدین و بخشی از نیروهای خط امام ، بخشی که قانون اساسی را پرچم خود قرار داد ، نتواند نیروی اجتماعی لازم را برای شکستن بن بست و اجرای اصول انقلابی و مردمی ، قانون اساسی فراهم کند و انقلاب را بسوی پیشرفت سوق دهد . این امید نه تنها منتفی نبود بلکه یک امید کاملا " واقعی بود . سبب دو خط علیرغم تمام افتخارات آن ستیزی کاملا " واقعی برای شکستن این بن بست و تعیین راه تکامل اجتماعی بود و همچنان هست . برنامه ما برای " پیشبرد همه جانبه انقلاب " یک برنامه خیالی نیست که خارج از واقعیتهای عینی جامعه نوشته شده باشد . وضعیت عینی در مرصه ملی و بین المللی بخصوص با توجه به نیروی عظیم توده های آن بگونه ای است که اگر همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی واقعا " موجود سیاست اتحاد در پیش می گرفتند و بر نیروی بیگران خلق تکیه می کردند . آعرب می خواست پیش رود و هیچ عامل دیگری برگشت آن را ایجاب نمی کرد .

با این حال انتظار نمی رفت نیرویی که " راه سوم " را جستجو می کند سهولت و سادگی دست از این نوبه بردارد . این نوبه را فقط نبردهای بی امان طبقات اجتماعی و طوفانها و تلاطمات حاد می توانست درهم بشکند .

بنابراین در جستجوی علل و عوامل برگشت انقلاب قبل از هر چیز باید تداوم نقطه ضعفها و نقاط رهبری انقلاب را به مثابه عاملی تعیین کننده مورد توجه قرار داد . ثانیا " باید منصفانه پذیرفت که همسوئی نیروهای روشن بین می توانست نیروی کافی را برای جبران این ضعفها و شکستی بن بست فراهم آورد . درست همانگونه که اشتباهات آنان می توانست نقاط ضعف رهبری را تشدید و امکان گرایش راست را تقویت کند . درست همانگونه که سیاست صحیح حزب طبقه کارگر میباید واقعا " توان انقلاب و امکان پیشبرد آن را تقویت کرد .

بررسی تحول وضعیت عینی و رویدادهای اجتماعی همه حاکی از آنست که بی آمدهای نقاط ضعف رهبری انقلاب و اشتباهات برخی نیروهای خلقی تناسب نیرو را در کشور بتدریج بسود نیروهای راستگرا و محافظه کار تغییر داد که عمده ترین این پیامدها چنین اند .

- روزروزی هوادار امپریالیسم در پرتو عدم انجام اصلاحات بنیادین پس از انقلاب مجددا " مواضع خود را در اقتصاد و سپس در سیاست مستحکم کرد ، منسجم شد و تعرض مجدد خود را برای برگشت دادن انقلاب آغاز کرد . عدم انجام این اصلاحات وضع بد زندگی مردم را بدتر کرد و موجب نارضایی و عدم اعتماد نسبت به مسئولین کشور و کاهش حمایت توده های از انقلاب شد .

- درگیری و نفاق میان نیروهای خلقی بویژه مجاهدین و پیروان خط مردمی امام موجب تضعیف همه نیروهای خلقی و تقویت مواضع ارتجاع شد و تناسب نیروها را آشکارا بسود راست تغییر داد .

- جنگ عراق و جنگ کردستان نیز در تضعیف مواضع انقلاب و فرسایش نیروهای خلقی و همچنین فرسایش حمایت توده های از انقلاب تاثیر کاملا " جدی بر جای گذاشت . این جنگ بخصوص در کسالت اخیر مواضع نیروهای راستگرا و روزروزی بازاری را تقویت و موجب هدر رفتن بخش عمده های از نیروی انقلاب شد .

در پاییز گذشته وضع بگونه ای شده بود که جریان های روزروزی ، بویژه بازار قادر بودند مدافعان انقلاب در حکومت را به روزیرویی آشکار تهدید کنند . این تهدیدات در شرایطی صورت می گرفت که از یک طرف جنگ بشدت جریان داشت و امپریالیسم با اعمال فشارهای سیاسی ، اقتصادی و نظامی به نیروهای حاکم در مورد انتخاب راه هشدار می داد . از طرف دیگر تناسب قوا در حاکمیت وضع کاملا " شکننده و بحرانی بسود گرفته بود . توده مردم بی سازمان و بی شکل و فاقد اراده مستقل خود بودند . بخصوص شکل سیاسی و



# از انقلاب بپا خیزیم!

## و مواضع ما

### لائیان خلق ایران (اکثریت)

### بخش دوم

حد مطلوب گسترش یافته بود کشور ایفا کند ، هنوز در مرحله

ده بود که بدون گزینش راه، پذیر نبود. هر تصمیم به یک ترین تصمیم انتخاب راه تکامل سبب طبقات اجتماع به نقطه‌ای ی برای تصمیم نگرفتن و بازهم انقلاب در سرنوشت‌سازترین این لحظه در شرایطی فرا رسید می‌کردند توانسته بودند نقاط و به سطحی فرا رویند که قادر وضع کلی جبهه نیروهای مدافع اعمال فشار بنیست را بسود

و آمریکا وانمود می‌کنند و به مردم اینطور القا می‌کنند که گویا تمام جریانات سالهای اخیر کار آمریکا و انگلیس است و شما بیپوده برای حفظ انقلاب شهید داده‌اید. هدف آنها نیز نه تنها بی‌اعتبار کردن مبارزه تاریخی جریان خط امام ، همچنین منع مردم از شرکت در خیزشهای آتی توده‌های و بدبین نگه‌داشتن آنها به جریانات سیاسی انقلابی است.

— امام خمینی عملاً "ابتدا در جبهه خلق قرار داشته است. اما بعد از درگیری با بنی‌صدر و سازمان مجاهدین خلق ایران از اوایل سال ۵۹ تغییر ماهیت داده و در جبهه دشمنان خلق قرار گرفته است. از آن زمان ضدانقلاب برکشور ماحاکم گردیده است. هواداران بنی‌صدر و مدافعان مجاهد آن مدافع این نظر هستند. اما واقعیت عینی و مجموعه حرکت نیروهای مترقی و ارتجاعی هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی خلاف این تحلیل را اثبات می‌کند. در دو ساله ۵۹ و ۶۰ امید بهیشترفت انقلاب وجود داشت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض حادثترین حملات ضدانقلاب، امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود توده‌های وسیع خلق در داخل کشور و کشورهای مترقی جهان مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر

یست بسود پیشرفت انقلاب فقط م در برابر جناح راست قاطعانه را با تمام نیرو تقویت می‌کرد و دن سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی به ه تنها گریبان انقلاز از چنگال نه تنها راستهای حکومت حارو یک جبهش قطعی به پیش تحولی سیر پیشرفت قزاق می‌گرفت. هر "توده‌ای، بخصوص در شرایط قه کارگر. و در زیر تازیانه‌های آن بورژوازی راستگرا و هوادار رجهت سلب حمایت از نیروهای نه تنها ضربه بسیار مهلکی به یست، سیاست طرفدار سازش با برکشور غالب عد وسیع برگشت

— حکومت در دست آخوندهاست. حکومت ملایان ارتجاعی و فاشیستی است. کاست روحانیت برای حفظ خود هراقدم ارتجاعی را که لازم تشخیص دهد انجام خواهد داد. مخالفت آنان با آمریکا و امپریالیستها از "وضع ارتجاعی" است — شکست انقلاب توسط اپنان قطعی و از همان آغاز انقلاب حتمی بوده است. برای سرنوشتی حکومت خرده‌بورژوازی ارتجاعی که: ملایان آنرا نمایندگی می‌کنند همکاری با بورژوازی نه تنها اشکالی ندارد بلکه ضروری است.

این نظرات که از جانب چپ‌روها و چپ‌نماها تبلیغ می‌شد نیروها را از شرکت در انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن منع می‌کرد. آنها خواهند کوشید که تحولات اخیر را دلیل درستی پیشگویی خود جا بزنند.

حقایق زندگی و تجربه مستقیم و ملموس ما تمامی این تحلیل‌ها را رد می‌کند. تنها تحلیل واقع بینانه همانست که گفتیم.

های به پرش طرح شده داده‌ام. و اهمیت تحولات اخیر ایران که ماگنتم تبلیغ شده و می‌شود. بلخ می‌شود بطور کلی می‌توان در

پرش: چشم‌انداز مناسبات نیروهای جبهه متحد خلق را چگونه می‌بینید؟

پاسخ: من فکر نمیکنم بتوان آینده نیروهای سیاسی ایران را به سادگی فرمولهای کلاسیک تصویر کرد. بنظر می‌رسد روند برگشت انقلاب نیز مثل روند پیشرفت آن روندی بفرنج و پر تناقض باشد. در طول چهارسالگی که از انقلاب گذشت ما شاهد آن بودیم که نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی درحاکمیت که خواهان اجرای قانون اساسی بودند. و در عین حال دروضع رهبری انقلاب نیز قرارداشتند هرگز این واقعیت رانپذیرفتند که توده‌های وفاداریان ومجاهدین می‌توانند در یک جبهه در کنار آنها قرار گیرند و علیه امپریالیسم و ضدانقلاب و در راه پیشبرد انقلاب بزنند. ما همچنین شاهد آن بودیم که مجاهدین نه در جای واقعی خود، در جبهه "پیکار ضدامپریالیستی بلکه در کنار نیروهایی قرار داشتند که باران راستین خلق نبودند، افتخاش در صفبندی‌ها در هردو طرف هم در نیروهای پوزیسون و هم در نیروهای پشتیبان حکومت وجود داشت.

اکنون نیز که سیر برگشت انقلاب درحال تکوین است بنظر می‌رسد آینده مناسبات میان نیروهای خلقی دچار دشواریها و تناقضات بسیار باشد. بعلاوه این مناسبات می‌توانند تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی، بویژه تحت تاثیر تحول اوضاع سیاسی منطقه قرار گیرد.

فاق نیافتاده است. و کسانی که تصمیم گرفتند با یل نیاز دارند حقایق را از مردم "پشتیبانی می‌کنند. اینها سیاست راست فلا" برملا نشود آمریکا نیز اخیراً اینطور تبلیغ می‌شود.

ستی خط امام که فائد هوشیاری این ارزیابی را ارائه می‌دهند. آن هم اینطور تبلیغ می‌کنند که ست و سرکوب حزب هم بدلیل

ترکیب نیروهای مخالف و موافق حکومت بستگی به این دارد که کدام گرایش در حاکمیت تثبیت شود. بحران عمیق اجتماعی — اقتصادی و سیاسی در کشور ما درحال گسترش است. تضادهای طبقات اجتماعی حدت می‌یابند. احتمال برخوردهای تند طبقات

اجتماعی که به اشکال بسیار متنوع می‌تواند بروز کند به هیچوجه متغی نیست. هیچ معلوم نیست روند برگشت انقلاب بدون تظاهرات حاد و ستیزهای بی‌امان طبقات طی شود و تا کجا و چگونه گسترش یابد. در شرایط فعلی نقش امام خمینی در حفظ انسجام حکومت جلوگیری از حدت غیرقابل کنترل تضادهای درون آن قابل ملاحظه است. پس از امام معلوم نیست تکلیف این منازعات چه خواهد شد. بدین ترتیب براساس امکانات متفاوتی که برای تکامل آتی رویدادها در ایران وجود دارد. از هم‌اکنون نمی‌توان درباره مناسبات و آرایش مجموعه نیروهای سیاسی کشور در آینده‌ای که فرا می‌رسد، اظهار نظر قطعی کرد. در این زمینه فقط باید منتظر تکامل بیشتر رویدادها بود.

اما آیا درباره "نیروهای خلقی و ضدامپریالیستی ایران هم باید فعلاً سکوت کرد؟ بهیچوجه. در این باره می‌توان و باید اظهارنظر کرد.

نیروهای حزب طبقه کارگر ایران، توده‌ایها و فدائیان (اکثریت) به مثابه یک نیروی سیاسی غیرقابل انکار، نیرویی که نه تنها سیاست آن در مبارزه جاری طبقات نقش ایفا می‌کند بلکه ضرورتاً " در کانون این مبارزه قرار دارد. در صحنه "سیاسی ایران حضور فعال دارند. من در اینجا صحبت نمی‌کنم که چرا این نیرو وجود خواهد داشت و چرا نمیتوان آنرا به مثابه یک جریان عملاً موجود اجتماعی و سیاسی نادیده گرفت، منحل اعلام کرد و یا از میان برداشت. ما در این باره به حد کافی بحث کرده‌ایم. من درباره مناسبات این نیرو، یعنی پیروان سوسیالیسم علمی هم بحث جداگانه‌ای نخواهم کرد. چرا که سیاست و تئوری راهنمای عمل ما بطور کلی تماماً "پاسخگوی همین مسئله است.

علاوه بر نیروهای حزب طبقه کارگر در انقلاب ایران دو نیروی سیاسی دیگر نیز با ماهیت ضدامپریالیستی و مردمی در صحنه رویدادهای سیاسی ایران فعال بوده‌اند. این نیروها در انقلاب ایران بنام مجاهدین خلق و پیروان خط امام شناخته شده‌اند.

درباره پیروان خط امام باید گفت پس از سبادت سیاست‌رامت برکشور لزوماً "تضیقات وسیعی در آن ایجاد می‌شود. پس از عدول حکومت از مواجیدی که به مردم داده است آنچه مسلم است بخشی از این نیرو با تبعیت فکری رضعی از خط حاکم برکشور مواضع فقلی را ترک کرده و راهجدایی از مردم و پشت کردن به انقلاب را درپیش خواهد گرفت. جدایی این نیرو مسلماً ضربه بسیار مهلک و خردکننده به نیروهای خط امامی وارد خواهد آورد. بسیاری از عناصر صادق مردمی که تاکنون ازفعالان این خط بوده‌اند چنین سرنوشت مرگباری را انتخاب نخواهند کرد و بهمین دلیل احساس می‌کنند که پس از توده‌ایها در "خاکریز اول" قرار گرفته‌اند. آنها از سیر رویدادهای کشور نگرانند. آنها آرزوی اوضاع دیگری جز این را در سر داشته ولی خط حاکم امروز آشکارا خیال تصفیه و در صورت مقاومت سرکوب آنان را در سردارد. چندی پیش دادستان کل کشور پس از دیدار با امام رسماً اعلام کرد که ستاد پیگیری فرمان امام از این پس با قاطعیت کسانی را که بخواهند "جریان بسازند" و جلوی سیاست حاکم بایستند در هر مقامی باشند، سرکوب خواهد کرد. نباید تصور کرد که با قطع حمایت امام از آنان حیات سیاسی تمام این نیروی اجتماعی خاتمه پذیرد. این بخش از نیروهای ضدامپریالیست و مردمی اگر متشکل شوند، اگر به نیروهای دگراندیش مدافع انقلاب دست اتحاد بدهند و اگر به توده مردم روی آورند و به پشتوانه توده‌های دهها میلیونی مردم زحمتکش علیه سیاست حاکم به مبارزه برخیزند قادر خواهند بود که نقش تاریخی فوق‌العاده براهیتی درنجات انقلاب بازی کنند. امپریالیسم، راستگرایان و تسلیم‌طلبان خطاب به اینها اینطور تبلیغ می‌کنند که دیگر کاری از دست شما برنمی‌آید، داوطلبانه صحنه راخالی کنید! در حال حاضر پس از سرکوب نیروهای حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران، تصفیه و سرکوب این بخش از نیروهای ضدامپریالیست و مردمی موضوع مهم سیاست‌کشور است.

توده وسیعی از دهقانان مرفه و میانه حال، بخش وسیعی از پیشه‌وران و کسه، خرده‌ها، و لایه‌های پائین بازار که از ستم سرمایه بزرگو امپریالیسم رنج می‌برند با بخش معینی از طلاب و روحانیون که عموماً " از همین اقشار برخاسته‌اند پیوند داشته و تحت رهبری آنان در مبارزه سیاسی شرکت کرده‌اند. این طلاب و روحانیون که بخشی از دستگاه روحانیت شیعه به شمار می‌روند همراه با بخشی از توده فعالین نهادهای انقلاب، نیروی سیاسی معینی به‌شمار می‌روند، که تمایلات ضدامپریالیستی و مردمی مشخص دارند. این نیروها امروز بطور مشخص ازقانون اساسی دفاع می‌کنند. قانون اساسی را بیانگر نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطلوب خود می‌دانند و خواهان اجرای آن هستند.

امروز روحانیون بطور کلی نقش درجه اول را در حیات سیاسی کشور ایفا می‌کنند. قم امروز دیگر فقط یک "شهر مذهبی" نیست، مرکز بقیه در صفحه ۱۴

# کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

دمکراتهای سراسر جهان، همچنان نگران سرنوشت زنان و مردان مبارزی هستند که به گناه پیکار در راه کسب استقلال و آزادی و منافع زحمتکشان میهنشان، ماههاست بدون کوچکترین رابطه‌ای با دنیای خارج، اسیر در خیما ن حکومت و قربانی شکنجه‌های انتقام‌جویانه آنان و اربابان دیومغششان هستند.

در هفته‌های اخیر نیز چون گذشته، محافل مترقی جهان در راه نجات این قربانیان پیگیرانه کوشید هاند و یک صدا درخواست قطع شکنجه آزادی زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک تأیید فرموده‌اند. با این حال، حاکمیت نج ۱۰۱۰ بجای توجه و گردن نهادن به این خواسته‌ها، باز هم در سیاهچالهای مخسوف خود به زجر و شکنجه مبارزین درینند ادامه می‌دهد و با این عمل، ماهیت ضد بشری و ضد انسانی خود را

برای کلیه زنان دمکرات زندانی در ایران " و " گسترده باد همبستگی بین‌المللی با دمکراتهای در بند، تیزترین شده بود، مورد باز دید همه هزار تن از مردم ایتالیا از سراسر کشور و میهمانان خارجی فستیوال قرار گرفت. باز دید کنندگان از این غره، بطرق مختلف، از جمله امضای بیانیه‌ها و کارت پستالهای اعتراضی، همبستگی خود را با زنان زندانی در ایران ابراز داشتند.

همچنین ۱۵ حزب و سازمان سیاسی مترقی و نیز نمایندگان گنجهای روزنامه " پروادا"، ارگان حزب کمونیست شوروی، و " اوپانیت" ارگان حزب کمونیست فرانسه شرکت کننده در فستیوال، طی امضای قطعنامه‌ای حمایت کامل خود را از زنان زندانی و " کمیته" بین‌المللی حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و مقنود شدگان در ایران،

حزب کمونیست آرژانتین • حزب کمونیست اسپانیا • حزب سوسیالیست متحده کاتالونیا • هیأت شرکت کننده از لهستان • حزب سوسیالیست انقلابی سومالی • حزب کمونیست چکسلواکی •

## زم

احزاب و سازمانهای زیر، طی امضای بیانیه‌ای به تاریخ ۴ نوامبر ( سیام مهرماه)، اعمال تضييقات و شکنجه‌های درد مشانه در مورد نیروهای دمکراتیک و مترقی و بویژه اعضای درینند " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" را محکوم کرده، همبستگی کامل خود را با آنان اعلام نموده‌اند. این سازمانها همچنین خواستار اعزام هیأتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان، تشکیل دادگاههای علنی با رعایت



غره تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در ایتالیا، مورد بازدید شرکت کنندگان در فستیوال قرار گرفت.

نمای داخلی غره تشکیلات دمکراتیک زنان در جشن تاسیوال اونیتا رجوا امیلیا

بیش از پیش آشکار می‌سازند. به کوشه‌هایی از اعتراضات نیروهای مترقی دنیا به این اعمال پرور مشانه، توجه کنید:

## ایتالیا

در فستیوالهای محلی روزنامه " اونیتا"، ارگان حزب کمونیست ایتالیا، طی ماههای اوت و سپتامبر (مرداد و شهریور) امسال در شهرهای رم - بلونیا - پادوا - تورینو و فلورانس سازمان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در ایتالیا نیز شرکت داشت. در همه این شهرها، شرکت کنندگان در فستیوال، با امضای طومارها و کارت پستالهای اعتراضی، همبستگی خود را با زنان زندانی عضو " تشکیلات دمکراتیک" و نیز سایر دمکراتهای در بند ابراز نمودند.

● در فستیوال با شکوه سراسری این روزنامه نیز که از تاریخ اول تا هجدهم سپتامبر (۱۰ تا ۲۷ شهریور) در رجوا امیلیا برگزار شد، تشکیلات دمکراتیک... در ایتالیا شرکت فعال داشت. غره تشکیلات... که با شعارهای " آزادی نسوری

اعلام نموده و به اعمال تضييقات و فشار بر علیه نیروهای دمکرات و شکنجه و آزار زندانیان در ایران، شدیدا اعتراض نمودند.

امضا کنندگان، همچنین خواسته‌های زیر را در قطعنامه مطرح ساختند:

- انتشار لیست اسامی کلیه زندانیان دمکرات و اجازه ملاقات آنان با خانواده‌هایشان؛
- اعزام کمیسیون بی‌طرفی برگزیده از حقوقدانان و پزشکان متخصص در امر شکنجه جهت دیدار از زندانیان در ایران؛
- قطع بلادرنگ شکنجه‌ها و پایان دادن به جو اختناق و تفتیش عقاید؛
- تشکیل دادگاههای علنی، طبق موازین بین‌المللی برای زندانیان.

- این سازمانهای امضا کننده به قرار زیرند:
- اتحادیه ویتنامیها در ایتالیا • زنان حزب سوسیالیست متحد مکزیک • حزب سوسیالیست متحده مکزیک • حزب کمونیست پرو • اتحادیه زنان عراقی • تشکیلات دمکراتیک زنان سومالی • حزب کمونیست فرانسه • حزب کمونیست عراق در ایتالیا • اتحادیه دانشجویان فلسطینی در ایتالیا

موازین بین‌المللی برای آنان، قطع فوری شکنجه، انتشار لیست کامل زندانیان و اجازه ملاقات آنان با خانواده‌هایشان گردیده‌اند:

- سازمان حزب کمونیست یونان در ایتالیا
- سازمان جوانان کمونیست یونان در ایتالیا
- حزب کمونیست عراق، شعبه ایتالیا • سازمان زنان برزیل در ایتالیا • اتحادیه ویتنامیها در ایتالیا
- حزب کمونیست لبنان در ایتالیا
- سازمان حرکت کمونیستی لبنان در ایتالیا
- حزب حرکت سوسیالیستی لبنان در ایتالیا
- حزب کمونیست شیلی در ایتالیا • شیلی دمکراتیک" در ایتالیا •

## تلگرام اجلاس هیئت شورای "فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان" در مورد جنگ ایران و عراق خطاب به دول متخاصم

تلگرام زیر در پایان اجلاس هیئت شورای " فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان" ( بالاتوالیگا - مجارستان ۱۱ تا ۱۴ اکتبر) در بقیه در صفحه ۱۱

# کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

بقیه از صفحه ۱۰

رابطه با جنگ ایران و عراق، به د ولتهای درگیر در جنگ مخابره گردید:

" ما ، همصدا با محافل صلح طلب بیسن - المللی ، خواهان پایان جنگ میان عراق و ایران بوده و از طرفین متخاصم می طلبیم ، به این جنگ بی سرانجام که جز مرگ و آوارگی برای مردم دو کشور ، نتیجهای ندارد ، خاتمه دهند .

در شرایط بحرانی کنونی جهان ، ایسن جنگ خانمانسوز ، که هر لحظه اشکال جدیدی بخود می گیرد ، نه تنها خطری جدی برای خاورمیانه بحساب می آید ، بلکه صلح و امنیت بین المللی را نیز تهدید می نماید ."

## بریتانیا

بنا به دعوت سازمان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ، در بریتانیا ، در تاریخ بیست و هفتم سپتامبر ( ۵ مهرماه ) بمنظور اعتراض بسه بازداشت هزاران زن و مرد دمکرات در ماههای اخیر از جمله فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان در ایران و محکوم نمودن شکنجه های بربرمنشانه ای که در مورد زندانیان اعمال می شود ، تظاهراتی در برابر سفارت ج ۱۰۱۰ در لندن بر پا شد که در آن نیروهای مترقی خارجی و انگلیسی شرکت داشتند .

در پایان ، نامه ای با امضای سازمانهای زیر ، به مسئولین سفارت خانه تحویل داده شده که در آن اعضا ، کنندگان ، پس از اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران ، آزادی کلیه دمکرات های زندانی را خواستار گردیده اند :

- مجمع ملی زنان انگلیس و سازمان بین المللی زنان برای صلح و آزادی . سازمان زنان حزب کمونیست انگلستان . سازمان زنان مترقی ترکیه در بریتانیا . اتحادیه زنان عراقی در بریتانیا . زنان شیلی در تبعید . سازمان زنان قبرس در بریتانیا . کمیته همبستگی با زنان ترکیه .

## آمریکا

خانم دولورس تالر ، مسئول " کمیته " خاور میانه لیگای بین المللی زنان برای صلح و آزادی در آمریکا ، طی ارسال نامه ای خطاب به نماینده ج ۱۰۱۰ در سازمان ملل متحد ، نگرانی شدید خود را در مورد بازداشت غیرقانونی و شکنجه و آزار اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و نیز اعمال تزییقات در مورد کلیه نیروهای مترقی و آزادخواه در ایران ابراز داشته و آزادی کلیه این مبارزین را خواستار گردیده است .

وی ، همچنین برخاست اعزام هیأتی بیسن - المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران ، بمنظور ملاقات با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک و نیز برگزاری محاکمات علنی برای آنان و جلوگیری از اعمال روشهای غیرانسانی در مورد ایشان ، تأکید ورزیده است .



تظاهرات اعتراضی علیه بازداشت هزاران مبارز دمکرات ایران در برابر سفارت ج ۱۰۱۰ در لندن

FÉDÉRATION DÉMOCRATIQUE INTERNATIONALE DES FEMMES  
WOMEN'S INTERNATIONAL DEMOCRATIC FEDERATION  
FEDERACIÓN DEMOCRÁTICA INTERNACIONAL DE MUJERES  
Международная Демократическая Федерация Женщин  
國際婦女民主聯合會  
INTERNATIONALE DEMOKRATISCHE FRAUENFÖDERATION

تجمیع اتحادیه های دمکراتیک جهانی



## مبارزه زنان سراسر جهان در راه صلح ، برابری ، ترقی

استقرار صلح و جلوگیری از بروز جنگ هسته ای که بویژه در مقطع تاریخی کنونی در اثر تحریکات امپریالیسم ، ابعاد خطرناکی کسب کرده است اعلام داشتند .

در این مجمع بین المللی ، نمایندگان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " نیز حضور داشتند و ضمن اعلام پشتیبانی زنان ایران از اهداف " دهه زن " ، سهمی را که آنان در مبارزه بخاطر تحقق این اهداف ادا کرده اند ، بیان نمودند .

### "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" به اعمال بی رویه دولت جمهوری اسلامی در مورد زنان ایران اعتراض می کند

" فدراسیون بین المللی زنان " ، در پایان کار اجلاس شورای جهانی " بالاتوالیگا " در مجارستان ، که از تاریخ ۱۱ تا ۱۴ اکتبر ( ۱۹ و ۲۲ مهرماه ) برگزار گردید ، تلگرام زیر را به دولت ج ۱۰۱۰ مخابره نمود :

" ما نگرانی شدید خود را درباره سرنوشت نامعلوم زنان زندانی ، بویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " که سراسر زندگی خود را وقف مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد و کسب حقوق دمکراتیک و عدالت اجتماعی نموده اند ، ابراز می داریم و آزادی بلاد رنگ و بیدون قید و شرط کلیه نیروهای مترقی درینند و خصوصاً زنان را خواستاریم ."

### برگزاری اجلاس شورای "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" در جمهوری خلق مجارستان

از تاریخ یازدهم تا چهاردهم اکتبر ( ۱۹ - ۲۲ مهرماه ) ، اجلاس شورای " فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان " ، بمنظور ارزیابی نتایج فعالیت های زنان سراسر جهان در تحقق اهداف دهه ( ۱۹۷۵ - ۱۹۸۵ ) اعلام شده از طرف سازمان ملل متحد ، یعنی برابری ، ترقی و صلح ، با شرکت ۱۳۵ سازمان مختلف از ۱۱۷ کشور در جمهوری خلق مجارستان تشکیل گردید .

زنان شرکت کننده در این مجمع بین المللی ، با خواندن پیامها و کار در کمیسیونهای ویژه موضوع مرکزی کفرانس و بررسی فعالیت های انجام شده طی " دهه زنان " ، که نتایج نهایی آن در کنفره جهانی نایروی ، به سال ۱۹۸۵ اعلام خواهد شد ، یکبار دیگر نشان دادند که بخاطر تحقق اهداف ترقیخواهانه و صلح جویانه نه تنها برای زنان ، بلکه بخاطر بشریت ، از پسای نخواهند نشست .

این کفرانس همچنین فرصتی بود تا زنان دمکرات جهان بار دیگر همبستگی خویش را با مبارزات رهایی بخش خلقهای تحت ستم ابراز نموده و حمایت بی دریغ خویش را از تلاش های بیگهرانه نیروهای مترقی در سراسر گیتی ، بخاطر

# در هفته ای که گذشت

## خدمت به اهداف شوم آمریکا

در شرایطی که امپریالیستهای آمریکا و سایر همکارانش، علنا از دخالت و سرکوب ملل منطبقه سخن می‌گویند و برای آن تدارک می‌بینند، آقای خامنه‌ای رئیس جمهور ج ۱۰۱۰ در يك کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت :

" مدت‌هاست که سعی می‌شود احتمال دخالت نظامی مستقیم آمریکا در منطقه از حنجره های مختلف با زبانهای گوناگون به ما برسد. ما این مطلب را بسیار دور از تصور می‌شماریم."

وی افزود:

" بعید به نظر می‌رسد آمریکا حاضر باشد به پرتاب سنگ و سنگ اندازی با کسی دست‌بزند" ( کنفرانس مطبوعاتی ۱۹ آبان )

بعید به نظر می‌رسد که آقای رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، که در عین حال رئیس شورای عالی دفاع ج ۱۰۱۰ نیز هست، از تغییر و تحولات نظامی آمریکا در منطقه و از خط و نشانها و تهدیدات امپریالیسم آمریکا در پشت‌گوش‌ها، در لبنان به مرحله اجرا در می‌آید بی‌خبر باشد. این اظهار نظر آقای رئیس‌جمهور، تنها در جهت خواب کردن مردم و در نهایت فلج ساختن مقاومت آنها در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیستی سیر می‌کند. آقای رئیس‌جمهور، با اظهاراتی از این دست، کار منسی ساختن امپریالیسم آمریکا را، که هنوز در نظر مردم ایران دشمن بزرگ میهن ماست، با پشتکار ادامه می‌دهد. او درصد است با این شعبده بازی‌ها افکار مردم را از خطر جدی و حتمی تجاوز آمریکا منحرف سازد و " مقام " او را از " دشمن اصلی" به يك " دوست بی‌آزار " ارتقا دهد. در این صورت، البته که " پرداخت بد هی‌ها " و " جبران کردن خسارت‌ها " و بستن قرار داد های اقتصادی ریز و درشت با این دوست بی‌آزار " که حاضر " نیست " به پرتاب سنگ و سنگ اندازی با کسی دست‌بزند! خالصی از اشکال جلوه می‌کند!

بی‌جهت نیست، که طبق اطلاعات رادیو اسرائیل ( مورخ ۲۲/۸/۲۵ ) صادرات امپریالیسم آمریکا به ایران در چند ماه اخیر ۸۹٪ افزایش یافته است .

## آری راست است!

حجت الاسلام رفسنجانی، در خطبه دوم نماز جمعه هفته گذشته، در مقابل دیدگان حیرت زده مردم میهن مان که همه روزه در کوچه و خیابان و در محل کار و زندگی خود به بهانه های مختلف مورد تفتیش و اذیت و آزار گشت‌های ریز و درشت سیاه قرار می‌گیرند، از آزادی مطلق در جامعه سخن گفت و مردم را تلویحا تهدید کرد که :

" ... هنوز ملت ما، اکثریت مردم، که ره‌آیشان د مکراسی می‌سازد، اینها با انقلاب هستند "

وی افزود پس :

" ما نیاز نداریم به خفقان " و خاطر - نشان ساخت " اگر نیاز داشتیم ... هیچ ابایی نداریم ... اگر این انقلاب ( بخوان حاکمیت ) يك روز نیاز به خفقان پیدا کرد، خفقان پیش می‌آوریم ! "

راست است که آقای رفسنجانی، از برکت وجود گشت‌های ثارالله و القاره و ... کمیته های ۳۰۰۰ و زندانهای اوین و قزل‌حصار و امکان بکارگیری تجربیات مأموران ساواک و سیا و ... ارگانهای جاسوسی در تمامی نهادها و سازمانها و ... می‌تواند به قدرتی یک فرعون، برای هر آنکس که جرأت به خود راه دهد و دم از حق و عدالت بزند، شاخ و شانه بکشد و تشبیه هر نوع وضعی را تنها و تنها به " اراده مافوق‌بشری " خود و راستگرایان و تسلیم‌شدگان، منوط بداند و برای خواست و نیاز مردم و آماجهای انقلاب کمترین ارزشی قائل نشود. این نیز راست است که هم اکنون :

— هزاران تن از هم میهنان ما، تنها به " جرم " داشتن عقایدی مخالف نظرات حاکمیت همه روزه روانه زندانها می‌شوند و تنها سرحد مرگ مورد شکنجه قرار می‌گیرند ؟

— کارگرانی که حقوق حقه خود را مطالبه می‌کنند، به وحشیانه ترین شکل سرکوب می‌شوند ؟

— دهقانانی که در مقابل بازگشت فئودالها و خوانین فراری مقاومت می‌کنند، به زندان افکنده و مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند ؟

— محرومانی که در گرمای تابستان بدلیل عدم دسترسی به آب آشامیدنی دست‌پسره اعتراض می‌زنند، ضد انقلاب معرفی شده بوسیله پاسداران به خون کشیده می‌شوند ؟

— زحمتکشان که از جنگ خسته شده و برای پایان دادن به آن دست به راهپیمایی می‌زنند، ابتدا سرکوب و سپس روانه زندانها می‌شوند ؟

— مأموران حکومت خود را برای جاسوسی در امور داخلی مردم، هجوم به منازل و بازرسی آنها، گوش کردن به تلفن‌ها و خواندن نامه های خصوصی مردم محق می‌دانند ؟

و صدها نمونه، روشن دیگر!

اما این نیز راست است که مردم میهن ما هرگز مرعوب این " نفس کش طلبیدن " ها نمی‌شوند و مهمتر از آن به تجربه و چشمان خود، بیش از گفته‌های گه‌ریار و تهدیدکننده " ائمه جمعه " اعتماد دارند، حداقل آنان می‌دانند برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی واقعی در میهن‌شان بوده، که دهها هزار شهید و معلول نثار انقلاب کردند و به شاه

ملعون که زمانی به " خفقان نیاز " پیدا کرده بود آموخته، اگر " چیزی " ندارد، حداقل " ابا " داشته باشد!

آری، راست است! ...

## سران ج ۱۰۱۰ برای گسترش روابط با امپریالیستها و نوکران حلقه بگوش آنها چهارنعل می‌قازند

بعد از خوش آمدگویی های رسمی و صریح سران ج ۱۰۱۰ به کشورهای امپریالیستی، این خادمان بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، هم - چنان و به طرق مختلف، روند دردناک غارت و چپاول منافع ملی ما را دنبال می‌کنند. گسترش مبادلات اقتصادی نابرابر با امپریالیستها و دست‌نشانگان " مسلمان " آنها، همراه با ایما و اشاره های امپریالیسم پسندانه، برای بهبود مناسبات سیاسی با غرب، گوشه‌هایی از این روند دردناک است.

در این هفته نیز بازار سفرهای متعدد هیأت‌های مختلف اقتصادی به ایران گرم بود. از آنجمله سه دیدار جلب نظر می‌کرد: دیدار سفیر ژاپن با رئیس‌مجلس شورای اسلامی، دیدار يك هیئت دوازده نفری وزارت بازرگانی پاکستان با مدیرکل بخش بازرگانی ج ۱۰۱۰ با کشورهای اسلامی و مسافرت بهزاد نبوی به ترکیه .

سفیر ژاپن طی دیداری با رئیس‌مجلس شورای اسلامی از گسترش مناسبات حسنه با ج ۱۰۱۰ ابراز خشنودی کرد و گفت:

" ما با موقعیت ایران بسیار آشنا هستیم و از اینکه هر روز، عراق را به سلاحهای پیشرفته تجهیز می‌کنند و باعث جنگ افزوری در منطقه می‌شوند، نگران هستیم "

آنگاه آقای رفسنجانی در پاسخ این حسن نیت! اظهار داشت:

" ما می‌توانیم در توسعه روابط اقتصادیمان مکمل هم باشیم. ما می‌دانیم شما طالب صلح هستید. صلح شما با صلح آمریکایی فرق دارد "

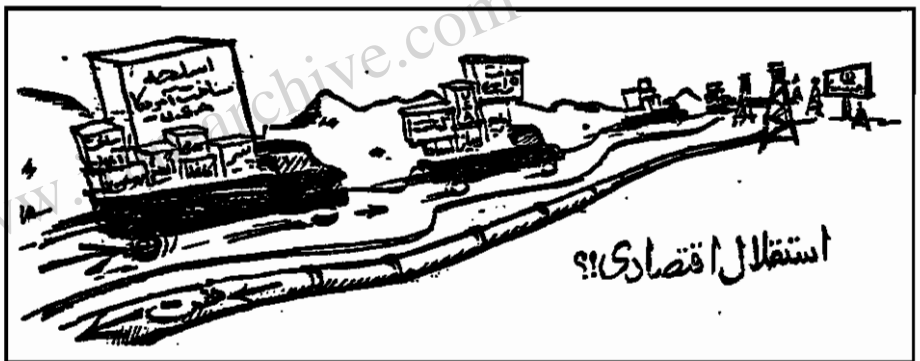
رهبران ج ۱۰۱۰ چنان در منجلاب سازش با امپریالیسم فرو رفته‌اند که ترجیح می‌دهند، واقعیت " جنگ طلبی " و خصومت " جنگ - افزوری " امپریالیسم ژاپن را که مردم و همه کشورهای مترقی قاره، جهان بدان آگاهند، نادیده بگیرند. و در میان صدها دولت " صلح طلب " جهان، به این جنگ‌افروزترین کشور این قاره متوسل شوند. آقایان بخصوصی آگاهند که نمی‌توان امپریالیسم ژاپن را از امپریالیسم فرانسه و آمریکا و دیگر متحدانشان جدا ساخت و این تنها بهانه‌ای بیش برای بازگشت به آغوش امپریالیستها نیست! سردمداران ج ۱۰۱۰ ملاقاتهای دیگری هم با کشورهای " مسلمان " و نوکران حلقه بگوش آمریکادر منطقه داشتند و در چارچوب سیاست‌های " برادرانه " و " مدت‌آمیز "، بخش دیگری از بقیه در صفحه ۱۳

## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲  
منافع ملی ما را به باد دادند؛ یک هیئت دوازده نفری از پاکستان به ایران آمده و با امضا یادداشت تفاهمی در زمینه روابط بازرگانی ماهریت "آمریکایی" خود را به انجام رساند. لازم به یادآوری است که در ادامه اجرای این سیاست، خریدهای ایران از پاکستان، نسبت به گذشته به میزان ده برابر افزایش یافته است.  
از سوی دیگر آقای نبوی نیز از ترکیه دیدار کرد و یادداشت‌های تفاهمی با این کشور دست‌چاپ ۱۰۱۰ و یارویا و پیمان ناتو به امضا رساند. از مجموعه دیدارهای - تنها - این هفته بخوبی می‌توان دریافت که سمت سیاست اقتصادی ج ۱۰۱۰، رویه کدام قبله دارد! بخش اعظم مناسبات ایران با کشورهای امپریالیستی و نوکران حلقه بگوش آنها از نوع ترکیه و پاکستان اختصاص دارد. در حالی که مناسبات با کشورهای پیشرویی چون سوریه، لیبی و الجزایر و دیگر کشورهای مترقی، در حد تعارف نگه داشته می‌شود و اگر فرصتی هم پیش آمده در جهت تیرمتر کردن روابط استفاده می‌گردد و لایغر . . .

آقای حسین هاشمیان یکی از استیضاح کنندگان از جمله چنین می‌گوید:  
"امید است این استیضاح نقطه پایانی باشد بر حس قانون شکنی و رابطه گرانی در کشور . . . در رابطه با تخلفات برخی از استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و دوایر دیگر وزارت کشور، اسناد و مدارک قابل توجهی در اختیار است. ما مصلحت چنین دیدیم که مقدار کمی از آنها را در متن استیضاح عنوان کنیم، (توجه کنید!) مطالبی که نقل می‌شوند، تنها "مقدار کمی" از جرائم وزارت کشور حتی از دیدگاه استیضاح کنندگان است - "راه توده" و هنگام تشریح و توضیح آنها نیز، ارتباط تخلفات را با وزیر کشور بررسی کنیم و روشن کنیم. دلیل ما این بود که مجریان رده پائین . . . خط اجرایی خود را از بالا می‌گیرند و اگر مدیریت وزارت کشور اصلاح شود، آنها نیز ملتزم به اجرای قوانین خواهند شد."  
آقای کاظم اکرمی یکی دیگر از استیضاح کنندگان در مورد واگذاری اراضی شهری، موارد زیر را به عنوان جرائم وزارت کشور بر می‌شمرد:  
"حاکمیت رابطه به جای ضابطه - رواج فساد در دستگاه شهرداری

است، معرفی کرده و با اشاره به جرائم سنگین ایشان، از مسئولین قضائی کشور بپیکری تخلفات وی را تقاضا می‌کند. پارهای از مواردی که آقای دزفولی ذکر می‌کنند به شرح زیراند:  
"اقدام به خرید سه دستگاه ماشین پیکان به عنوان جهاد مرکز برای خود و برادر خانمشان"  
"پرداخت غیر قانونی سه میلیون تومان از تنخواه گردان کمیته کشاورزی چهارم سازندگی، ایجاد مرغداری "تولوی" آقای حسن آخوندی و دو تن از بستگانشان که با او شریک بودند"  
"تقلب و سوء استفاده از امکانات و عنوان جهاد از جهت دریافت ۲۵۰۰۰ قطعه جوجه پیکروزه"  
"بعلت برداشتهای غیر قانونی مالی و سوء استفاده از مهر و مسئولیت خود در جهاد و دریافت تراکتور . . . مبلغ حدود دو بیست هزار تومان سوء کسب کرده"  
"کسانی که زیر دست آقای آخوندی بودند مانند حمایت ایشان سوء استفاده های مالی کرده اند"  
و دهها مورد دیگر . . . که در تمامی آنها آقای ناطق نوری وزیر کشور، در مقام حمایت از این شارلاتان، او را از تمام شکایاتی که بر علیه شان به مراکز مختلف فرستاده شد مصون نگاه داشتند. جالب اینجاست که همین "مقام معظم" اکنون به سمت معاونت وزارت کشور و مسئول بازسازی مناطق جنگی، فعالانسه، مشغول هر کردن جیب و بستن پار خود است و "صد میلیارد ریال اعتبار بی‌زبان از ظرف آقای ناطق نوری در زیر دستش قرار دارد!"  
و . . .  
در همین رابطه، بجاست که به نکته دیگری هم اشاره کنیم. سردمداران ج ۱۰۱۰ و دستگاه تبلیغاتی آنان، همگی تقلا می‌کنند حکومت مصلط بر سرزمین ما را، "تنها حاکمیت بی‌نظیر" که در آن از "فساد" و "ارتش" و "اختلاس" و . . . سایر بیماریهای جوامع "شرق و غرب" خبری نیست، معرفی کنند و همه "ظل مستضعف" جهان را به الگو برداری از این "حاکمیت بی‌همتا" دعوت می‌کنند. از جمله یکروز پیش از این جلسه "مجلس، روزنامه" صبح آزادگان - ۱۵ آبان - می‌نویسد:  
"ج ۱۰۱۰ حکومتی متکی به قوانین الهی و شرع خون هفتاد هزار شهید گلگون کفن می‌باشد . . . پس از استقرار ج ۱۰۱۰، شکل حکومت و نحوه روابط در آن آشکار گردیده و فرم جدیدی از نظام های جهانی به بشریت عرضه شد. نظامی که در آن احکام الهی حاکم بوده و تحریف و دروغ و سرکوب و تعلق و ریا و باند بازی جایی ندارد . . ."  
تنها می‌توان گفت: این رونوشتی است برابر اصل!



استقلال اقتصادی؟

## رونوشت، برابر اصل!

در شماره‌های گذشته "راه توده" جریان استیضاح وزیر کشور، توسط ده‌های از نمایندگان مجلس و سپس رد موارد استیضاح، زیر فشار راستگرایان و شخص ریاست مجلس را، به اطلاع خوانندگان خود رساندیم.  
مجموعه سخنان استیضاح کنندگان که در ۲ صفحه کامل روزنامه "کیهان" مورخ ۱۶ آبان‌ماه ۶۲ درج شده است، از کارنامه "سیاه سراسر فساد، ارتشا"، باند بازی و خیانت به آرمانهای مردم وزارت کشور پرده بر می‌گیرد.  
"راه توده" به دلیل کمبود جا از تجدید چاپ کامل این سخنان معذور است. از این رو خلاصه‌ای از آن را فهرست وار نقل می‌کنیم. با توجه پسه اینکه خلاصه مطالب مذکور از وزن سنگین جرایم وزارت کشور می‌کاهد و بر نقش مؤثر افشای آنها خدشه وارد می‌سازد، امید واریسم خوانندگان ما متن کامل گزارشات این جلسه مجلس را از روزنامه‌های مجاز ایران مطالعه کنند.  
- ایجاد یأس و پدبینی و بی‌تفاوتی در مردم در اثر عدم اجرای قانون  
- تبعیض بین مسئولان دولتی و مردم  
- از بین رفتن حقوق مسلم شرکتهای تعاونی مسکن . . . مانند تعاونی مسکن کارگران  
- پیامدهای ناهنجار اجتماعی - سیاسی و اقتصادی ناشی از واگذاری بی‌رویه زمین . . .  
آقای کاظم اکرمی سپس، با اشاره به نامه‌های متعدد وزیر مسکن و چند تن دیگر از مقامات و ارگانهای مسئول ج ۱۰۱۰، به شخص وزیر کشور، در رابطه با رسیدگی به فساد در شهر داری تهران و امور مربوط به واگذاری زمین اظهار می‌دارند که:  
"تا آنجا که بنده تحقیق کردم نام اینها همه‌هاش یا اکثر آنها بدون جواب مانده است."  
این خود دلیل دیگری بر حمایت وزیر کشور از باند حاکم بر شهرداری تهران است.  
آقای ایرج صفاتی دزفولی، یکی دیگر از امضا کنندگان استیضاح، طی سخنان مشروحی عنصر فاسدی بنام حسن آخوندی را که اکنون به عنوان مشاور وزیر کشور و مسئول ستاد بازسازی مناطق جنگی

در شماره‌های گذشته "راه توده" جریان استیضاح وزیر کشور، توسط ده‌های از نمایندگان مجلس و سپس رد موارد استیضاح، زیر فشار راستگرایان و شخص ریاست مجلس را، به اطلاع خوانندگان خود رساندیم.  
مجموعه سخنان استیضاح کنندگان که در ۲ صفحه کامل روزنامه "کیهان" مورخ ۱۶ آبان‌ماه ۶۲ درج شده است، از کارنامه "سیاه سراسر فساد، ارتشا"، باند بازی و خیانت به آرمانهای مردم وزارت کشور پرده بر می‌گیرد.  
"راه توده" به دلیل کمبود جا از تجدید چاپ کامل این سخنان معذور است. از این رو خلاصه‌ای از آن را فهرست وار نقل می‌کنیم. با توجه پسه اینکه خلاصه مطالب مذکور از وزن سنگین جرایم وزارت کشور می‌کاهد و بر نقش مؤثر افشای آنها خدشه وارد می‌سازد، امید واریسم خوانندگان ما متن کامل گزارشات این جلسه مجلس را از روزنامه‌های مجاز ایران مطالعه کنند.

## متحد شویم! در دفاع از انقلاب پیاخیزیم!

بقیه از صفحه ۹

بمثابه یک نیروی عملاً موجود اجتماعی وجود دارند. هیچکس نمی‌تواند موجودیت تاریخی و بالفعل این جریان را بمثابه یک نیروی اجتماعی انکار کند. نیروهای سرکوبگر حکومت پس از انقلاب و ساواکی‌ها مثل انقلاب تلاش زیادی کرده‌اند که این نیرو را نابود شده و ناموجود جلوه دهند. اما تجربه نشان داده است که حتی اگر سازمان مجاهدین بوسیله نیروهای دیگری تسخیر شود و یا به بیراهه کشیده شود باز مجاهدین با آرمانها و ایده‌آل‌های خاص خود وجود خواهند داشت.

موجودیت مجاهدین خلق نیز قبل از همه از موجودیت اقتدار اجتماعی معینی نشأت گرفته است که تحایلات ضدامپریالیستی و مردمی دارند. هم‌اکنون طیف وسیعی از افشار روشنفکری و لایه‌های میانی کشور ما، محصلین، دانشجویان، معلمین و بخشهای وسیعی از کارمندان، لایه‌هایی از پیشوران بخصوص در مناطقی که از رشد اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردارند ایده‌آلها و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را در تعالیم آیت‌الله طالقانی و اندیشه‌های مجاهدین جستجو می‌کنند.

در سال ۱۳۵۴ زمانی که گروه مائوئیست شده‌ای در درون سازمان مجاهدین خلق با یک حرکت کودتایی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین را اعلام کرد رفقای ما براین مسئله اساسی تاکید داشته‌اند که اقتدار اجتماعی معینی با ادامه حمایت مادی و معنوی خود از آرمانهای مجاهدین ادامه حیات این سازمان را بمثابه یک نیروی اجتماعی میسر می‌سازد. ما در آن زمان تاکید داشتیم که "پیکاری شده" های مجاهدین خلق نخواهند توانست خاستگاه اجتماعی مجاهدین را هم از آن خود سازند. آنها به قطع پیوندهای خود با این خاستگاه ناچار خواهند بود و این خاستگاه ضرورتاً نمایندگان سیاسی خود را در قالب همان سازمان مجاهدین خلق و یا تحت نام دیگری اما با مواضعی منطبق یا کم‌تریش نزدیک به مواضع عقیدتی مجاهدین انتخاب خواهند کرد. این ارزیابی کاملاً درست بود. امروز نیز مجاهدین خلق را بمثابه یک نیروی اجتماعی که ایده‌آل‌های ضدامپریالیستی و مردمی دارد، نه می‌توان نادیده گرفت، نه می‌توان منحل اعلام کرد.

این مسئله که مقام و موقعیت آنان در جنبش‌های بخش ملی ما چه باشد مسلماً بستگی به مشی سیاسی، مناسبات آنها با سایر نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی، شعارها و اشکال مبارزه، آنها دارد. در حال حاضر مناسبات توده، هواداران صادق خط امامی که از قانون دفاع می‌کنند با توده هوادار آرمانهای مجاهدین بسیار خصمانه و کینه‌توزانه است. آنها در راه نابودی یکدیگر تلاش می‌کنند. آنها هیچکدام ماهیت خلقی یکدیگر را قبول ندارند. سازمان ما در راه حل این مسئله مهم اجتماعی تلاش کرده، می‌کند و خواهد کرد.

چنانکه می‌دانید ما و مجاهدین خلق سالها روابط بسیار نزدیک و برادرانه‌ای داشته‌ایم. آنها برای نزدیک به ده سال نزدیکترین متحد ما بوده‌اند. اما این نزدیکی مناسفانه در سالهای اخیر ادامه نیافت و آنها به مواضعی غلطیدند که در عمل موجب تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی خلق شد. سازمان ما بسیار کوشید که چنین نشود. حتی می‌توانم بگویم حداکثر نیروی خود را بکار گرفت که مجاهدین جایگاه واقعی خود در جنبش خلق را خالی نگذارند. روح نامه دیماه ۱۳۵۹ ما به مجاهدین آینده روشنی از همین حقیقت است. گرچه این تلاشها در آن زمان اثر نکرد، اما دست کم زمینه‌های ساخت که اقدامات واقعی ملاک ارزیابی حقایق تاریخی قرار گیرند.

آنچه مجاهدین را از ما دور کرد در وهله اول خط مشی سیاسی آنها و تحلیل آنها از اوضاع سیاسی کشور بود. رهبری مجاهدین حکومت را یکدست و ستیز درونی آن برای تعیین راه آینده جمهوری اسلامی ایران را انکار می‌کرد و در اوج مبارزه میان نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی حاکمیت با نیروهای طرفدار سرمایه‌داری و غرب خط مشی دفاع از نیروهای طرفدار سرمایه‌داری و خواهان دوستی با امپریالیسم را برگزید. آنها برپایه یک ارزیابی عمیقاً ذهنی و سکتاریستی از اوضاع سیاسی کشور به سیاست تروریسم که آشکارا مورد حمایت و تشویق امپریالیسم آمریکا بود روی آوردند. تصور رهبری مجاهدین این بود که نظر اکثریت مردم نسبت به حکومت تغییر کرده و طرفدار آنها شده‌است بنابراین اولاً "حکومت" مشروعیت مردمی

بقیه در صفحه ۱۵

سیاست هم‌هست. در این ابام مباحثات ایدئولوژیکی کاملاً برحزرتی حوزه‌های علمیه، سراسر کشور را فرا گرفته است. این دیگر پنهان کردن نیست که بخش معینی از پیروان خط امام با پذیرش آخرین ایده‌های آیت‌الله مطهری درباره، نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی و نظرات ملامحمدباقرصدر به نتایج تازه‌ای درباره نظام سرمایه‌داری و جای آن در فقه اسلامی دست می‌یابند. نتایجی که مورد تکفیر و مخالفت روحانیت محافظه‌کار و راستگرا قرار گرفته است. آنها تمام حربه‌های ایدئولوژیکی، سیاسی و روانی را بکار گرفته‌اند تا چماق تکفیر را بر سر روحانیونی که نظام سرمایه‌داری را خلاف تعالیم اسلامی اعلام می‌کنند، وارد آورند.

من فکر می‌کنم این مبارزه ادامه خواهد یافت. روحانیت شیعه ایران به استقبال تشدیدگریناپذیر تضادهایی می‌رود که جامعه را می‌شکافد. بخصوص که روحانیون، خود گرداننده، سیاست کشور هستند. تمام حقایق عینی می‌گویند که تضاد طبقاتی در دستگاه روحانیت بر وحدت منافع صنفی آن غالب است و صف دوستان و دشمنان خلق از میان صف روحانیون هم عبور می‌کند.

در همین‌جا اعلام می‌کنم که علیرغم تهمت‌هایی که به ما می‌زنند سازمان ما هرگز یک سازمان "ضدروحانیت" نبوده است. ما همیشه با روحانیت راستگرا، محافظه‌کار و طرفدار سرمایه‌داری و امپریالیسم مخالف بوده‌ایم و با آن مبارزه کرده‌ایم. ما همیشه از روحانیون مترقی، ضدامپریالیست و طرفدار مردم حمایت کرده‌ایم و در آینده نیز خواهیم کرد.

در هر حال بخشی از نیروهای ضدامپریالیست و مردمی ایران را باید در میان نیروهایی جستجو کرد که تا امروز تحت عنوان خط امامی شناخته شده‌اند. در اینجا صحبت صرفاً بر سر موجودیت بالفعل این نیروست. موقعت آن نیرو، اینکه تا چه حد بتواند متشکل بماند، ظرفیت‌های آن در انقلاب، هویت رهبری آن و بخصوص حد اعتماد توده مردم به آن همه و همه مسایلی است که فعلاً نمی‌توان به آن پاسخ قطعی داد.

سازمان ما با حساسیت و دقت تحولات جاری در نیروهای خط امام را دنبال می‌کند. سازمان ما بنا بر مشی انقلابی خود طبعاً از آندسته از خط امامیها که بعلت عدم ترک مواضع ضدامپریالیستی و مردمی زبر فشار حکومت قرار می‌گیرند و تن به مصالحه نمی‌دهند، حمایت میکند. سازمان ما از آنها دعوت می‌کند در برابر سنگتیری نامردمی سیاست حاکم از خود ایستادگی نشان دهند. امروز شرط وفاداری آنان به مواعیدی که به مردم داده‌اند آنست که به مردم نشان دهند با آنچه در کشور رخ می‌دهد نه موافقت و نه مسئولیت آنرا برعهده دارند. آنها اگر امروز به هر نحوی از انجا این مسئله را برای مردم حل کنند می‌توان امیدوار بود که بعنوان یک جریان سیاسی و اجتماعی در جامعه مطرح باشند و گرنه فردا، زمانی که فشار از پایین بحران را در بالا گسترش داد و پایه‌های حکومت را سست کرد دیگر بسیار دیر خواهد بود که ایشان مردم را دربار، اعمالی که کرده‌اند فایده کنند. در غیر اینصورت آنها می‌توانند به گروه روحانیونی محدود شوند که در حوزه‌های علمیه "بحث طلبگی" می‌کنند. همانطور که گفتیم الان بیشترین توجه حکومت هم مصروف اینست که جلوی تکوین مجدد یک جریان مستقل مردمی را که ادامه دهنده راه "خط امام" اصیل باشند بگیرد.

اعلام موضع بقایای خط امام درباره، سیاست فعلی کشور البته فقط گام اول است. از آن پس مقام و موقعیت آن در سازرات ملی - دموکراتیک و مناسبات آن با دیگر نیروهای خلقی بستگی به این خواهد داشت که آنها تا چه حد از راهی که پیموده‌اند پند بگیرند و ضعفها و اشتباهات خود را جبران کنند. تجارب پنج‌ساله باید به این نیروی صادق مردمی که با اندیشه‌های اسلامی مبارزه می‌کند بیاموزد که برای ادامه راه ۲۵ ساله، تلاش در راه جبران نقطه ضعفها یک شرط بسیار جدی است. سازمان ما همانگونه که در گذشته نشان داده است از برداشتن این گامها استقبال می‌کند و خود نیز میکوشد آنان را در این راه یاری دهد.

درباره، مجاهدین خلق نیز قبل از هر چیز باید گفت که آنان نیز

# متحد شویم! در دفاع از انقلاب بیا خیزیم!

بقیه از صفحه ۱۴

ندارد و آنها حق دارند قیام کنند، ثانياً در این قیام با حمایت مردم پیروز خواهند شد. حکومت را سرنگون و خود قدرت را بدست خواهند گرفت و بورژوازی طرفدار غرب ضعیفتر از آن است که بتواند برنده، جنگ برادرکشی میان دو نیروی صدامبرالیست گردد.

تجربه رویدادهای دوسه سال اخیر گویاتر از هر تحلیل و استدلالی نادرستی این تحلیلها را ثابت کرده است. رویدادها نشان می‌دهند که امپریالیستها خوب می‌دانستند چنانچه مجاهدین علیه نیروهای صدامبرالیستی حکومت قیام کنند، اگر این کار و سایر توطئه‌های امپریالیستی به غلبه، ضدانقلاب منجر نشود دست کم جنبه، نیروهای صدامبرالیستی را بشدت تضعیف و مواضع نیروهای محافظهکار و راستگرا را در حاکمیت و در کشور بشدت تقویت خواهد کرد. و بدیدیم که چگونه این درگیری در جهت تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی کشور، در جهت گشوده شدن راه برای غلبه سیاست راست بر کشور تاثیر کرد. ما امروز هم فکری کنیم که اگر خصومت میان کسانی که آرمانهای مردمی را دنبال می‌کنند ادامه یابد این وضع بازهم بیشتر به تقویت مواضع ارتجاع کمک خواهد کرد. ما فکر می‌کنیم اکنون که جهت سیاست حاکم بر کشور ما بسود امپریالیستها تغییر کرده است در سیاست امپریالیسم هم نسبت به نیروهای سیاسی کشور ما نیز لزوماً تغییراتی پدید آمده و درآینده نیز بیش از این پدید خواهد آمد. این احتمال وجود دارد که حمایت امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی از نیروی براندازی جمهوری اسلامی بشکل سابق ادامه نیابد نیروهای سرنگون شده بورژوازی هم طبعاً از سیاست امپریالیسم در سرخوردن با جمهوری اسلامی ایران پیروی می‌کنند. این شرایط مجموعاً در مسیری تحول پیدا می‌کند که تاثیر عملی فعالیت مجاهدین خلق نیز بمثابة یک نیروی اجتماعی عظمت سابق خود را از دست بدهد. ما از نقاط ضعف در دیدگاههای نیروهای رهبری کننده انقلاب صحبت کردیم. درباره مجاهدین البته این ضعفها به این شکل مطرح نیست ظرفیتهای ایدئولوژیکی قابل ملاحظه‌ای را می‌توان در آنها جستجو کرد. از لحاظ بافت عقیدتی مجاهدین افکار مترقیانه‌ای دارند، تصویر آنان از جامعه عدالت اجتماعی دارای جنبه‌های واقعی بسیار است، دکامتیس مذهب مانع دستیابی آنان به برنامه عمل اجتماعی معینی نیست. بعلاوه، متشکل و سازمان یافته عمل می‌کنند و این یک مزیت انکارناپذیر است. در حال ما میخواهیم امبدوار باشیم که این ظرفیتهای عقیدتی، اجتماعی و سازمانی موجب گردد که مجاهدین خلق جای فایسته خود را در مبارزه بخاطر بسج همه ظرفیتهای صدامبرالیستی کشور برگزینند. و مبارز راه اتحاد این نیروها گردند.

ما حل مسئله ملی فقط به حل مسئله کردستان محدود نیست. ما خواهان رفع ستم ملی از همه ملیتهای غیرلاریم هستیم.

در سالهای پس از انقلاب امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی منطقه و داخل کشور بحرمت تلاش کردند که به مبارزه در راه حل مسئله ملی در کردستان سست دیگری بدهند. آنها کوشیدند خطراهای عریقه افکنانه وناسمکن را به نیروهای سیاسی کشور ما تحمیل کنند، آنها از ضعفهای رهبری و نفوذ وسیع عناصر ضدانقلاب در ارگانهای حاکم و همچنین در کردستان استفاده کردند که مسئله کردستان را به یکی از دشواریهای دردناک و فاجعه‌آمیز انقلاب بدل سازند. آنها در این کار موفقیت زیادی هم بدست آوردند.

اکنون پس از تغییرات سیاست حاکم بر کشور ما مطالب مردم کردستان بازهم بیشتر و مسئله کردستان با حدت بازهم بیشتر بر جای خواهد ماند. دولتهای سه کشور ایران، ترکیه و عراق در سرکوب جنبش ملی در کردستان عملاً همکاری می‌کنند. باید انتظار داشت که پس از تغییر سیاست حاکم بر کشور و تغییر سیاست امپریالیسم و ارتجاع نسبت به حاکمیت در ایران در صف نیروهای سیاسی فعال در کردستان هم تغییرات گریزناپذیری روی دهد. مطالعه سیر مناسبات نیروهای سیاسی کردستان عراق و حتی حقایق همین چندساله اخیر کردستان ایران بخوبی ثابت می‌کند که با حاکم شدن سیاست ارتجاعی بر کشور زمینه برای جدائی صف نیروهای پیشرو و مرتجع در جنبش ملی نیز فراهم می‌شود. در هر حال رویدادهای کردستان در ایران، عراق و ترکیه هرچه باشد، با اطمینان باید گفت که جنبش ملی در کردستان همچنان وجود و ادامه خواهد داشت. ثالثاً سازمان ما همچنان به حمایت از خواست برحق مردم کردستان برای تامین حق خودمختاری اداری و فرهنگی ادامه می‌دهد. سازمان ما سرکوب قضاوت کارانه مردم کردستان را محکوم می‌کند. سازمان ما همه محافل ترقی‌خواه خلق کرد را به اتحاد با همه نیروهای صدامبرالیستی و مردمی کشور دعوت می‌کند.

رویدادها در کشور ما، چهارسال پس از یک انقلاب خونبار که به قیمت اینبار حماسی توده‌های مردم زحمتکش ما به پیروزی رسید در مسیری سیر می‌کند که تاریکی آینده آن غشم و اعتراض هر سپهر پرست واقعی را علیه کسانی که کشور را به این سمت می‌برند برمی‌انگیزد. برای نجات سپهتی که جان صدها هزار از بهترین فرزندان خود را قربانی استقلال و آزادی آن کرده است، باید خیلی بیشتر از اینها تدابیری کرد و امروز هیچ تدابیری از این ارزشمندتر نیست که همه کسانی که با این مردمنده و می‌خواهند با مردم باشند با هر فکر و عقیده‌ای که هستند بگوشند تجربه راهی را که رفته‌اند وسیله جبران ضعفها و اشتباهات آن سازند. اکنون گرچه انقلاب در سراشیب برگشت می‌افتد، اما نیک بهداست که این نمی‌تواند و نباید بتواند گسیختگی وانحراف را در جنبش خلق دامن زند. ما می‌خواهیم امبدوار باشیم که سقوط بسیاری از کسانی که تا دیروز از مواضع ضد امپریالیستی دفاع می‌کردند مایه جبران ضعفها و اشتباهات و رشد و آگاهی بیشتر کسانی گردد که هنوز صداقت خود را حفظ کرده‌اند و می‌خواهند در صف مردم باشند. ما باید از آنچه رخ داده است عمیقاً درس بگیریم و عمیقاً بخاطر بسیاری که عمده‌ترین دلیل سربست انقلاب آن بود که رهبری این انقلاب موفق - اولین درس انقلاب را که اتحاد همه نیروهای خلقی است، بکار گیرند.

برای مردم ما که روزهای تلخ و تاریکی در پیش روی خود می‌بینند چه چیز شادمانه‌تر از اینکه بشنود همه آنان که میخواهند در راه وی کام بردارند همه در یک صف، در یک جبهه باهم متحدند. به یقین باید گفت که اگر جبهه متحد خلق از دل رویدادهای آتی سپهر ما فرا روید می‌گمان طرد کسانی که رای و اعتماد مردم را وسیله بر باد دادن انقلاب و تسلط کردن دشمنان مردم قرار دادمانند، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌کنیم فرا می‌رسد.

جنبش ملی مردم کردستان نیز در طول تمام سالهای حاضر تاریخ سپهر ما در دوره سالهای حکومت ستم‌شاهی بخشی از جنبش ضد امپریالیستی و مردمی تمام خلق ما بوده است. این جنبش که در آن سالها با خواست خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران شناخته شده است نه تنها در بیداری خلق کرد بلکه در تقویت مجموعه مبارزات مردم کشور ما نقش داشته است.

سازمان ما در تمام طول سالهای حیات خود مبارزه در راه رفع ستم ملی از مردم کردستان و تامین حقوق و خواسته‌های برحق خلق کرد را جزو وظایف انقلابی خود دانسته است، برنامه سازمان خواستار اعطای خودمختاری اداری و فرهنگی به مردم کردستان است. ما تامین این خواست مشروع و عادلانه را یکی از ضروریات و نیازهای بگلی غیرقابل انکار کشورمان شناخته‌ایم. البته در سیاست و برنامه سازمان

## چشم انداز تیره امر آموزش زنان

بقیه از صفحه ۵

از نیروی کارشان، شخصیتی مستقل در اجتماع داشته باشند. تردیدی نیست که ادامه این وضع، جسز

فلاکت و بدبختی برای جامعه و امر آموزش کشور، چیز دیگری به ارمان نخواهد آورد. چشم انداز تیره، چنین اقدامات و برنامه هایی که راستگرایان و تسلیم طلبان، در اجرای آن، اینهمه سخت‌کوشی از خود نشان می‌دهند، از هم اکنون بیدا است. برای آنان که همه ارزش و اعتبار زن را در حید

"تعلیم در سطح پائین" خلاصه می‌کنند البته که چنین چشم اندازی، نگران کننده نیست این، تنها بر عهده زنان آزاده و افتخار آفرین ماست که علیه تضییقات و حق کشی‌های حاکمیت متحد شوند و برای حفظ انقلاب خود - که در صورت اجرای مضمون ملی - دموکراتیک آن، حقوق آنان نیز تامین می‌گردد - از هر امکانی سود جویند.



### تدارک هجوم به لبنان و سوریه

همزمان با تهدیداتی که از سوی دولت آمریکا علیه جنبش آزادی بخش ملی اعراب اعمال می شود، همه روزه هواپیماهای جنگی آمریکا که از ناوهای هواپیمابر به پرواز در می آیند، بر فراز بیروت و دیگر مناطق لبنان ظاهر می شوند. در عین حال، پنتاگون در آبهای ساحلی لبنان نیروهای قابل ملاحظه‌ای را متمرکز کرده است. تا کنون بیش از سی کشتی جنگی و ۳۰۰ هواپیما در آبهای ساحلی لبنان موضع گرفته اند که در آنجا حدود ۳۰ هزار سرباز از نیروهای نظامی آمریکا مستقر هستند. شواهد حاکی از آنست که آمریکا خود را برای عملیاتی در مقیاس وسیع علیه لبنان و همسایه‌های سوریه آماده می سازد. اسرائیل نیز، که با متحد "استراتژیکی" خود بگونه‌ای هماهنگ عمل می کند، اینروزها، به بزرگترین آموزشهای نظامی خود - از پنج سال پیش به اینطرف - دست زده است. دهها هزار تن از نیروهای ذخیره بنا به دعوت رادیو تلویزیون در نقاط مجین گرد آمدند تا در این آموزشها شرکت کنند. تدارک و انجام این آموزشها، زیر شعارهای ضد لبنانی و ضدسوری انجام گرفت. دیروز گرنادا، امروز لبنان و فردا... ؟ امپریالیسم متجاوز آمریکا استقلال و امنیت تمامی خلقها را به بازی گرفته است.

### خطر تجاوز به نیکاراگوئه افزایش می یابد

ویکتور تیرارو، یکی از رهبران نیکاراگوئه طی میتیگی به خاطر بزرگداشت کارلس فونسکا از پایه گذاران جبهه ساندینیستی، که ۷ سال پیش شهید شد اظهار داشت: ایالات متحده آمریکا یک ارتش ۲۵ هزار نفری در هندوراس، برای حمله به نیکاراگوئه مجهز و آماده کرده است.

ریگان رئیس جمهور آمریکا قصد دارد نقشه‌های خود را مبنی بر نابود کردن انقلاب نیکاراگوئه، نخست به کمک دولت‌های دست نشانده خود در منطقه یعنی هندوراس، گواتمالا و السالوادور به مرحله اجرا در آورد. اگر ارتشهای دست نشانده این سه کشور و باند های مزدور سوموسا در تجاوز خود ناکام شوند آنگاه ارتش ۲۵ هزار نفری آمریکا هم وارد عمل خواهد گردید. تدارک برای تجاوز به انقلاب نیکاراگوئه اینک با شدت ادامه دارد. یکی از نقاط مورد نظر که احتمالاً ضربه از آنجا وارد خواهد شد، اطراف دوروستای مرزی است که هم اکنون سه هزار مزدور سوموسا و ۲ هزار سرباز هندوراس در آنجا مجتمع شده اند. در عین حال آمریکا می کوشد با سازمان دادن باقیمانده مزدوران سوموسا و نیروهای ارتجایی و خائنان، یک جبهه داخلی نیز علیه دولت انقلابی بوجود آورد.

ویکتور تیرارو تأکید کرد که خلق نیکاراگوئه آماده است پاسخ دندان شکنی به متجاوزان امپریالیسم و مزدوران پد هت و از دستاوردهای انقلاب ساندینیستی دفاع نماید.

### دولت دست نشانده پوشالی برای گرنادا

امپریالیسم آمریکا که با آتش و جعبه مقاومت خلقی کوچک ولی قهرمان را در هم شکسته، اینک می خواهد به تجاوز خود شکل "قانونی" ببخشد. به اصطلاح "دولت موقت گرنادا" را بر سر قدرت بنشانند. قرار است "سکون" - فرماندار سابق انگلیسی که اینک همکار متجاوزان آمریکائی شده است - ترکیب این دولت را اعلام کند. وی و اربابانش شخصی بنام "ماکین تایر" را بعنوان "نخست وزیر" در نظر گرفته اند. "تایر"، کارمندی یکی از ادارات سازمان ملل متحد است. این "دولت موقت" وظیفه دارد که حضور نظامی آمریکا در گرنادا را همیشگی سازد و این جزیره را به پایگاه نظامی پنتاگون در جنوب دریای کارائیب بدل کند. چهره متجاوز و جنایتکار امپریالیسم آمریکا

برای تمامی کشورهای منطقه آشکار شده است و هیچ دولت مردمی و مردم کشورهای جهان به گفته‌های عوامفریبانه مقامات رسمی واشنگتن باور نمی کنند. هفته گذشته، ریگان گفت "بمحض فراهم شدن امکانات" فنی "سربازان آمریکائی از گرنادا خارج خواهند شد ولی بلافاصله و این برگر روشن کرد که دولت وی در صد دست گرنادا را به یک سرپل تجاوز بدل سازد. امپریالیسم آمریکا، پای در جای پای هیتلر می نهد و پایمال کردن استقلال و آزادی خلق های کوچک صلح دوست برای این غول نظامی تا دندان مسلح، البته کار پیش پا افتاده ایست. ولی بهتر است ریگان، بار دیگر پایمال کار هیتلر را بخاطر بیایورد.

### دفاع از حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۳  
طللی گردیده است و در پایان، طی فراخوانی، از کلیه شعبات و اعضای "شورای صلح ایالات متحده آمریکا" دعوت به عمل آورده که با اقدامات گوناگون، بانگ اعتراض خود را بر علیه جنایات حکومت ج ۱۰۱۰ پرنشین تر سازند!

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در لونس آنجلس هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند**

رفیق عزیز! ۵۰۰۰ دلار کمک مالی شما بدستان رسید. یک زن و شوهر جوان هوادار از لندن "۲۰ پوند

- FIDEF aus Bielefeld 100,-DM
- W.Schneider Radevormwald 100,-DM
- Felix aus Bielfeld 150,-DM

**RAHE TUDEH**  
No. 68  
Friday, 18 Nov. 83

**Address:** Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

**Price:**

England	30	P.		
West-Germany	22	Fr.		
1 DM	Italy	600	L.	
France	3 Fr.	U.S.A.	40	Cts.
Austria	8 Sch.	Sweden	3	Skr.

برای آبونه شدن "راه توده" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراک) به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

**حساب بانکی:**  
Postscheckamt  
6000 Frankfurt  
Konto Nr. 633 97 - 602  
Bankleitzahl 50010060

**آدرس پستی:**  
Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

**بهای اشتراک:**

سه ماهه	<input type="checkbox"/>	معادل ۲۵ مارك
نشش ماهه	<input type="checkbox"/>	۵۰
یکساله	<input type="checkbox"/>	۱۰۰

**آدرس:**